



تاریخ بوشهر

تألیف

محمد حسین سعادت

(۱۲۸۲-۱۳۵۴ ه.ق)

تصحیح و تحقیق

عبدالرسول خیراندیش

عمادالدین شیخ الحکامی

تاریخ بوشهر اثر ارزشمند شیخ محمدحسین سعادت (درگذشته ۱۳۱۴ش) از رجال آزادی‌خواه، ملی، نوگرا و پرتلاش عصر مشروطه و مدیر مدرسه سعادت بوشهر است. سعادت، در بخش مهمی از این کتاب، مشاهدات و اندیشه‌های خود را درباره اوضاع شهر و حوادث و وقایع آن دوره منعکس ساخته است. با وجود گذشت نزدیک به یک قرن از تألیف کتاب، همچنان می‌توان آن را اثری نه تنها کم‌نظیر بلکه بی‌نظیر دانست. این نکته‌ای درخور تأمل است که برای حدود دو قرن که بوشهر بندر اصلی ایران در جنوب و نیز مهم‌ترین بندر ایران به شمار می‌آمد، تنها اثر مستقل و جامع درباره تاریخ بوشهر که به دست ما رسیده همین کتاب سعادت است.

TĀRĪKH-I BŪSHIHR

Muhammad Husayn Sa'ādat

(1865 A.D./1935 A.D.)

Edited & Researched

Abdolrasool Kheirandish

Emadoddin Sheikh-al-hokamayi

ISBN: 978-600-203-036-1



9 786002 030361



Miras-e Maktoob

Tehran, 2012



- سرشناسه : سعادت کازرونی، محمد حسین، ۱۲۴۴- ۱۳۱۴ ش.
- عنوان و نام پدیدآور : تاریخ بوشهر / تألیف محمد حسین سعادت کازرونی؛ تصحیح و تحقیق عبدالرسول خیراندیش، عمادالدین شیخ الحکمایی؛ ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی مصطفی امیری.
- مشخصات نشر : تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب: کازرونیه؛ ۱۳۹۰.
- مشخصات ظاهری : شصت و شش، ۲۹۹، ۶ ص.
- فروست : میراث مکتوب؛ ۲۳۵، تاریخ و جغرافیا؛ ۴۱.
- شابک : 978-600-203-035-1
- وضعیت فهرست نویسی: فیا
- موضوع : بوشهر - تاریخ
- موضوع : ایران - تاریخ - افشاریان، ۱۱۴۸ - ۱۲۱۸ ق.
- موضوع : ایران - تاریخ - زندیان، ۱۱۶۳ - ۱۲۰۹ ق.
- موضوع : ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق.
- شناسه افزوده : خیراندیش، عبدالرسول، ۱۳۳۶ - ، مصحح.
- شناسه افزوده : شیخ الحکمایی، عمادالدین، ۱۳۴۶ - ، مصحح.
- شناسه افزوده : امیری، مصطفی، ۱۳۳۷ - ، مترجم.
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ ۷ س و / ۲۰۷۵ DSR
- رده بندی دیویی : ۹۵۵ / ۶۴
- شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۶۶۳۱۵

تاریخ شوهر

کتابخانه
موزه و مرکز اسناد
جمهوری اسلامی ایران

تألیف

محمد حسین سعادت کازرونی

(۱۲۸۲-۱۳۵۴ ه. ق.)

تصحیح و تحقیق

عبد الرسول خیراندیش

عماد الدین شیخ الحکامی



نشر کازرونیه



تاریخ بوشهر

بر اساس یگانه نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

تألیف: محمدحسین سعادت کازرونی (۱۲۸۲ - ۱۳۵۴ ه. ق)

تصحیح و تحقیق: عبدالرسول خیراندیش (دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز)
عمادالدین شیخ الحکمایی (پژوهشگر ارشد مؤسسه باستان شناسی دانشگاه تهران)

ناشر: میراث مکتوب

با همکاری

نشر کازرونیه

مدیر تولید: محمد باهر

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی: مصطفی امیری

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ اول: ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۹۵۰۰ تومان

شابک: ۱ - ۰۳۵ - ۲۰۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸

چاپ: نقره آبی - صحافی: سیاره

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است
نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

بسم الله الرحمن الرحيم

دریابی از فرهنگ پرمایه اسلام و ایران در خمی‌های موعی نهند. این نسخه با حقیقت کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ و هویت نامده‌ایرانیان است بر عمده‌ترین است که این میراث پراج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

بایسته‌کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تبیین آنها انجام گرفته و صد کتاب و رساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کار ناکرده بسیار است و هزاران کتاب و رساله خطی موجود در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگرچه بارها طبع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد. احیاء و نشر کتاب و رساله‌های خطی و طبع‌های است بر دوش محققان و مؤسسات فرهنگی. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوشش‌های محققان و مصححان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقه‌مندان به دانش و فرهنگ سحی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه‌ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

اکبر ایرانی
مدیر عامل مرکز پژوهشی میراث مکتوب

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	نوزده
نسخه اساس.....	بیست
ویژگی‌های نسخه و تصحیح متن.....	بیست
شیوه نگارش مؤلف.....	بیست و یک
ضبط اعلام خارجی.....	بیست و سه
درباره نمایه‌ها.....	بیست و چهار
علامت‌های اختصاری تصحیح متن.....	بیست و پنج
مقدمه.....	بیست و هفت
نقد و نظر درباره کتاب تاریخ بوشهر.....	بیست و هفت
زندگی و آثار مؤلف کتاب تاریخ بوشهر.....	چهل و شش
زمان تألیف کتاب.....	پنجاه
تاریخچه تحقیقات درباره بوشهر و اهمیت اثر سعادت.....	پنجاه و یک
واژه «ملی» در تاریخ بوشهر.....	پنجاه و نه



مقدمه [مؤلف].....	۵
در موقع جغرافیایی و احوالات طبیعی و امور سیاسی و اقتصادی و تقسیمات ملکی سواحل	
خلیج ایران است.....	۵
حالات طبیعی و مواقع جغرافیایی سواحل خلیج ایران.....	۵
مساحت سواحل شرقی خلیج ایران.....	۷

۷	هوای سواحل خلیج ایران
۷	اقسام بادها در خلیج ایران
۸	مقیاس باران در خلیج ایران
۸	مدّ و جزر
۹	رودهایی که در خلیج ایران می‌ریزد
۹	محصولات خلیج ایران و نواحی
۹	دین و نژاد اهالی
۱۰	معادن و صنایع
۱۰	تقسیمات ملکی سواحل خلیج ایران
۱۰	تقسیمات قدیمه ایالت فارس
۱۱	تقسیمات غیر مرتبه حالیّه سواحل
۱۳	تاریخ بنای بوشهر و موقع جغرافیایی و احوال سیاسی و اجتماعی و اقتصاد ایران
۱۳	فصل اوّل - در تاریخ غلبه لشکر اسلام بر این حدود
۱۷	فصل دوم - در تاریخ بنا و تأسیس بوشهر و موقع جغرافیایی آن
۱۹	فصل سوم - در جغرافیای طبیعی و مدنی بوشهر
۱۹	تقسیم شهری
۱۹	عدّه مساجد شهری
۲۰	تکایای شهری
۲۰	عدّه حمام‌ها
۲۰	کاروان‌سرا
۲۱	افیس‌ها یا تیمچه تجارتنی
۲۱	عدّه نفوس و سکنه حومه بوشهر
۲۱	آب و هوای بوشهر و اشجار آن
۲۲	طرز عمارات و خانه‌ها و مساکن بوشهر
۲۳	وسایل حفظ الصّحه
۲۴	شرکت‌های داخله و کمپانی‌های خارجه
۲۴	کمپانی‌های خارجه
۲۴	بانک شاهنشاهی

۲۵	قونسل خانه‌های خارجه
۲۵	آثار و ابنیه دولتی
۲۶	ابنیه خیریه ملی
۲۷	ادارات دولتی و قوای نظامی و استحکامات سرحدی
۲۸	قوای بحری
۲۹	تنقید
۲۹	لنگرگاه
۳۰	فایده
۳۰	آلات نقلیه
۳۱	آثار ترقی و علایم تمدن
۳۲	معارف
۳۴	دارالطباعه و مطبوعات
۳۴	روزنامه و تألیفات
۳۴	وضع تجارت در بوشهر
۳۶	شیوع عمل قاچاق در بوشهر و بنادر
۳۸	مالیات بوشهر و مضافات و توابع
۳۹	عادات و رسوم و آداب و اخلاق اهالی
۴۲	مقیاس‌های متداوله در بوشهر
۴۳	مقدم رجال و مشاهیر بوشهر
۴۴	اداره کارگزاری در بوشهر
۴۴	پست و تلگراف و تلفون
۴۵	مضحکه
۴۶	چراغ برق
۴۶	ایجاد گمرک و عایدات آن
۴۷	راه بین بوشهر و شیراز
۵۰	حومه بوشهر
۵۰	اسامی دهاتی که در حومه بوشهر واقع‌اند
۵۱	ریشهر
۵۲	آثار قدیمه در ریشهر

۵۳	 بهمنی
۵۴	 هلیله
۵۵	 فصل [چهارم] - در بیان وقایع ماضیه و حوادث جاریه است
۵۶	 حکومت شیخ نصرخان و انتزاع بحرین از وی
۵۶	 ورود لطف‌علی خان زند به بوشهر
۵۷	 حمایت نمودن اهالی دشتستان کریم‌خان زند را
۵۷	 توضیح
۵۸	 عزیمت ثانوی لطف‌علی خان زند به سمت بوشهر و دشتستان
۵۹	 ورود سفیر انگلیس به بوشهر
۵۹	 صورت عهدنامه بین دولت ایران و دولت انگلیس
۶۰	 مسافرت جنرال قونسل دولت ایران به بمبئی
۶۰	 کشته شدن حاج خلیل خان جنرال قونسل ایران در بمبئی
۶۰	 ورود سفیر فوق‌العاده انگلیس به بوشهر و حرکت به سمت تهران
۶۱	 صورت عهدنامه دولت فرانسه با دولت ایران
۶۶	 حکومت محمدجعفرخان
۶۶	 سوق اردو به برّ عمان
۶۷	 ورود سفیر فوق‌العاده ایران با سفیر فوق‌العاده انگلیس به بوشهر
۶۷	 حراست خلیج ایران
۶۸	 تغییر عهدنامه دولت انگلیس که به توسط سِرگور اوزلی بارونت تکمیل یافته بود
۶۸	 صورت عهدنامه دولتین ایران و انگلیس
۷۲	 اختلال امور فارس و بنادر به واسطه دخالت زنان
۷۳	 مسافرت حرم دیگر فرمان‌فرما به مکه معظمه
۷۳	 گرفتاری شیخ عبدالرسول خان در مسقط
۷۴	 نهب و غارت بندر بوشهر
۷۵	 گرفتاری خوانین دشتستان
۷۵	 قتل شیخ عبدالرسول خان به دست خوانین دشتستان
۷۶	 انتقام از قتل شیخ عبدالرسول خان یا نتیجه معکوس
۷۶	 یورش اعراب بادیه به بوشهر و شکست آنها
۷۷	 اولین اختلال انگلیس در بوشهر

۷۸	تنبيه.....
۷۹	مختصر شرح سوق قشون به افغانستان و محاصره شهر هرات.....
۸۴	تنقيد و توبيخ.....
۸۵	ورود ميرزا علي محمد باب و روانه نمودن او به شيراز.....
۸۵	جنگ شيخ نصرخان با ميرزا مهدي خان، نايب الحکومه بوشهر براي اغراض شخصي ...
۸۶	سرکشي شيخ حسين خان آلِ مذکور و هزيمت او از عساکر دولتي.....
۸۷	ورود ايالت فارس به بوشهر.....
۸۷	ورود سفير فرانسه به بوشهر.....
۸۷	تصرف ايالت فارس بندرعباس را.....
۸۸	استرداد امام مسقط بندرعباس را.....
۸۸	فتح بندرعباس به دست لشکر فارس.....
۸۹	نگاه داشتن امام مسقط کشتي هاي تجارتي ايراني و ضبط مال التجاره آنها.....
۸۹	پس گرفتن امام مسقط بندرعباس را.....
۸۹	استرداد بندرعباس از امام مسقط.....
۹۰	اتفاق غريب.....
	وساطت حاج عبدالمحمد ملک التجار بوشهر از امام مسقط و تفويض بندرعباس
۹۱	به وي.....
۹۱	صورت قرارنامه حکومت صيد سعيدخان، امام مسقط در بندرعباس.....
۹۳	صورت تعهدنامه شيخ سعيد مسقطي، حاکم بندرعباس.....
۹۴	سبب قبضه انگليسان بر بوشهر.....
۹۴	ورود کشتي هاي جنگي دولت انگليس به بندر بوشهر.....
۹۵	مضمون لايحه سردار انگليسي به درياييگي، حاکم بوشهر.....
۹۵	جواب درياييگي.....
۹۵	قواي دفاعي دولت ايران.....
۹۵	نقشه جنگ ايرانيان.....
۹۶	پياده شدن قشون انگليسي به ساحل و شروع به جنگ.....
۹۷	اسارت درياييگي و فرود آوردن بيرق ايران.....
۹۷	اعلان سردار انگليس به عموم اهالي.....
۹۸	تدارک نمودن ايالت فارس براي استخلاص بوشهر.....

۹۸	تشکیل اردو در بندرکنگ
۹۹	شروع به جنگ در دشتستان
۱۰۰	یک شجاع بی نظیر؟!
۱۰۰	شبیخون
۱۰۱	جنگ روز دوازدهم
۱۰۲	توضیح
۱۰۲	سبب شکست ایرانیان
۱۰۳	نهضت ایالت فارس به سمت بوشهر
۱۰۳	ورود سردار کل عساکر ایران، میرزا محمدخان قاجار به نیزک
۱۰۴	صورت عهدنامه دولتین علیتین ایران و انگلیس
۱۰۸	محاكمه تاریخی
۱۰۹	سواد دستخط اعلی حضرت ناصرالدین شاه
۱۱۲	تخلیه بوشهر از عساکر انگلیس
۱۱۲	صورت نصیحت نامه یکی از حکمای فرنگ
۱۱۳	ورود حکومت بنادر به بوشهر
۱۱۳	ورود شاهزاده حسام السلطنه به بوشهر
۱۱۳	حکومت عبدالباقی میرزا در بوشهر
۱۱۴	ورود احمدخان نوایی ثانیاً به بوشهر
۱۱۴	سوق اردو به دشتستان
۱۱۵	ضمّ حکومت بنادر به ایالت فارس
۱۱۵	تفویض ایالت فارس و حکومت بنادر به شاهزاده ظل السلطان مسعود میرزا
۱۱۵	ورود شاهزاده احتشام الدوله اویس میرزا به بوشهر
۱۱۶	ورود ثانی و ثالث شاهزاده مذکور به بوشهر
۱۱۶	تغییر حکومت بنادر به واسطه تغییر ایالت فارس
۱۱۶	حکومت حاج محمد مهدی ملک التجار در بوشهر
۱۱۷	تنبيه
۱۱۸	طرز تعیین حکام و طریقه گرفتن مالیات و اخذ مناصب و القاب در دوره امین السلطان
۱۱۹	منسوب شدن سعدالملک به حکومت بوشهر
۱۲۰	حکومت نظام السلطنه

۱۲۱	اتفاق ناگوار
۱۲۱	حکومت قوام‌الملک در بوشهر
۱۲۲	آمدن ابوالنصر میرزا به بوشهر
۱۲۲	رجعت دادن انگلیسان مجیرالسلطنه، حاکم بوشهر را از بین راه
۱۲۲	ضبط اسلحه در بوشهر
۱۲۳	نصب حکام و نایب‌الحکومه‌های متعدّد در مدّت شش ماه
۱۲۳	تفویض گمرک بوشهر و کرمانشاه به بانک شاهنشاهی
۱۲۴	سرقت قماش در گمرک
۱۲۵	منسوب شدن احمدخان پسر قابچی‌باشی به نیابت الحکومگی بنادر
۱۲۵	حادثه لنگه
۱۲۶	سوق اردو از بوشهر به سمت بندر لنگه
۱۲۷	پیاده شدن اردو به ساحل و شروع به جنگ
۱۲۸	تحقیق و تصدیق
۱۲۸	نهب و غارت بندر لنگه
۱۲۹	صورت مکتوب اهالی لنگه به مدیر حبل‌المتین
۱۳۰	صورت نقل عرضه‌داشت سنت و جماعت لنگه، خدمت اولیای امور جمهور ایران ..
۱۳۱	به دار زدن چند بی‌گناه را در لنگه
۱۳۲	تفویض حکومت رسمی بوشهر به احمدخان دریابگی
۱۳۲	سبب متهم نمودن حاج محمد مهدی ملک‌التجار
۱۳۳	اتهام حاج ملک‌التجار
۱۳۳	رفع اشتباه
۱۳۴	صورت مکتوب
۱۳۵	حبل‌المتین
۱۳۶	افراط و تفریط
۱۳۶	اعلان دکتر انگلیسی بروز طاعون در بوشهر
۱۳۷	بلوای عامه به ضد دکتر انگلیسی
۱۳۷	وقوع قتل در قریه چغادک
۱۳۸	تأسیس و بنای مدرسه سعادت
۱۴۰	اقدام تجار بوشهر و شیراز و اصفهان به ضد تعرفه جدید گمرکات ایران

- ۱۴۱ صورت تلگراف عموم تجار شیراز به عموم تجار اصفهان.
- ۱۴۲ سواد تلگراف عموم تجار شیراز.
- ۱۴۳ ملاحظه.
- ۱۴۳ صورت تلگراف صدر اعظم (امین السلطان) به تجار محترم.
- ۱۴۳ صورت تلگراف تجار شیراز به عموم تجار بوشهر.
- ۱۴۴ صورت تلگراف عموم تجار شیراز به تهران.
- ۱۴۵ صورت مخابره تلگرافی تجار اصفهان به تجار بوشهر.
- ۱۴۵ صورت تلگراف تجار شیراز به تجار یزد.
- ۱۴۵ صورت تلگراف مشیرالدوله وزیر امور خارجه ایران به تجار شیراز.
- ۱۴۷ صورت تلگراف عموم تجار به وزارت امور خارجه ایران.
- ۱۴۸ صورت تلگراف مشیرالدوله به تجار شیراز.
- ۱۴۹ تدبیر احمدخان دریابیگی برای اتهام ناظم التجار.
- ۱۴۹ شلیک بر قونسل خانه انگلیس و نتیجه آن.
- ۱۵۰ اخراج ناظم التجار از بوشهر.
- ۱۵۰ سوق اردو به تنگستان.
- ۱۵۱ حادثه طبیعی.
- ۱۵۱ بلوا به ضد مسیو سیمه، رییس گمرکات.
- ۱۵۲ ورود حاج معین التجار به بوشهر و اخراج او.
- ۱۵۲ معزولی احمدخان دریابیگی.
- ۱۵۳ حکومت سالاژ معظم در بوشهر.
- ۱۵۴ تجهیز قشون برای تأسیس گمرک در بندر ریگ.
- ۱۵۴ سبب متارکه جنگ.
- ۱۵۴ ایجاد گمرک در بندر ریگ.
- ۱۵۵ گرفتن زایر خضر تنگستانی و کشته شدن دو نفر فراش در دارالحکومه.
- ورود علاءالدوله، فرمان فرمای فارس به بوشهر برای پذیرایی لُرد کُرژن فرمان فرمای هندوستان.
- ۱۵۶ رفتن سالار معظم و آمدن احمدخان دریابیگی.
- ۱۵۷ مسافرت احمدخان به بمبئی و دخالت انگلیسان در جزیره هنگام.
- ۱۵۷ نصب بیرق ایران در جزیره ابوموسی و جزیره تنب.

۱۵۷	حکومت حاج سعیدالسلطنه در بوشهر
۱۵۸	عودت احمدخان به بوشهر (بار سوم)
۱۵۹	بلوا به ضد رئیس گمرک
۱۵۹	شلیک بر قونسل خانه فرانسه
۱۶۰	حکومت علی خان معزالدوله
۱۶۰	رؤلسیون در بوشهر
۱۶۱	کنکاش یا تشکیل مجلس مشاوره
۱۶۲	ورود تفنگچیان و رؤسای ایشان
۱۶۲	تشکیل انجمن ولایتی
۱۶۳	عزل رئیس گمرک و تصرف وجوهات
۱۶۳	حصول مناقشه بین سید و اعضای انجمن ولایتی
۱۶۴	تغییر پولتیک یا سیاست اجانب
۱۶۵	حدوث ناامنی
۱۶۵	اعلان جنرال قونسل دولت انگلیس
۱۶۶	مراجعت علی خان معزالدوله، حاکم بوشهر از سرکشی بنادر و گرفتاری او
۱۶۶	احتلال عساکر انگلیس در بوشهر
۱۶۶	ورود احمدخان دریابگی به بوشهر (مرتبه چهارم)
۱۶۷	خصایص آقا سید اسدالله خارقانی
۱۶۷	دسایس احمدخان در حق سید مرتضی
۱۶۸	جنگ در قریه سنگی و مراجعه رئیس علی
۱۶۹	بهانه جویی از سید مرتضی
۱۶۹	مکتوب سید مرتضی
۱۶۹	ابلاغیه حکومت به سید مرتضی
۱۷۰	بمباردمان خانه سید مرتضی
۱۷۰	اسارت سید مرتضی و تبعید ایشان به عتبات
۱۷۱	تلگراف رسمی وزیر داخله، سردار اسعد
۱۷۱	دعوت عمومی در دارالحکومه احمدشاه قاجار
۱۷۱	جشن جلوس سلطنت ملی احمدشاه قاجار
۱۷۲	جمع آوری اعانه برای بازماندگان مجاهدین ملی

- ۱۷۲ سوق اردو به تنگستان
- ۱۷۳ بروز مرض طاعون در بوشهر و سبب آن
- ۱۷۵ مسافرت به جاشک
- ۱۷۶ نزاع زایر خضر خان و شیخ حسین خان
- ۱۷۶ شیوع قاجاق در بندر دلبار
- ۱۷۶ تجدید سوق عسکر به تنگستان و بندر دلبار
- ۱۷۷ سوق اردو به میناب و بندر عباس
- ۱۷۸ صورت مکتوب مذکور
- ۱۸۰ یادداشت دولت انگلیس
- ۱۸۰ اخطارنامه اهالی خلیج ایران به سفرای دُول خارجه مقیمین تهران
- ۱۸۰ سبب یادداشت دولت انگلیس به دولت ایران
- صورت اعتراض نامه مقام منبع ریاست روحانی طایفه شیعه اثنی عشریه به توسط
- ۱۸۱ سفرای تهران به دُول معظمه عالم
- ۱۸۳ صورت اخطارنامه اهالی بوشهر و خلیج ایران به سفرای دُول عظام مقیم تهران
- ۱۸۶ دقت نظر
- ۱۸۶ تشکیل اداره مالیه و نظمیه در بوشهر
- ۱۸۷ ورود ادمیرال هندوستان به بوشهر
- ۱۸۸ ورود هیأت مستقبلین نظام السلطنه، والی ایالت فارس
- ۱۸۸ ورود نظام السلطنه والی فارس به بوشهر
- ۱۸۹ حرکت نظام السلطنه از بوشهر
- ۱۸۹ جنگ دو اردو در تنگستان
- ۱۸۹ قتل معاون نظمیه در بوشهر
- ۱۹۰ ورود موقرالذوله، حکمران بنادر از شیراز به بوشهر
- ۱۹۰ شروع به انتظامات
- ۱۹۱ تشکیل ادارات
- ۱۹۱ قصاص به حق
- ۱۹۲ ورود اُرد انگستن به بوشهر
- ۱۹۳ سبب کشته شدن مادام کنستانس
- ۱۹۳ سبب بمباردمان بندر دلووار از طرف کشتی های جنگی دولت انگلیس

۱۹۴	بمباران بندر دلووار
۱۹۶	ورود کشتی های جنگی فوق العاده انگلیس به خلیج ایران
۱۹۸	سقوط بصره
۱۹۸	صورت اعلان مذکور
۱۹۸	اشغال بصره
۱۹۹	صورت اعلان
	فرار واسیموس آلمانی از دست انگلیس ها و گرفتار شدن همراهان او در دشتستان به
۲۰۰	دست انگلیس ها
۲۰۰	گرفتاری اتباع واسیموس و تصرف اموال او
۲۰۳	ایضاً نفرات ذیل جزو اعلان انگلیس ها بودند
۲۰۴	ورود قشون انگلیس به بوشهر
۲۰۵	سرکشی حاج علی تنگکی
۲۰۵	تزئین قوای انگلیس در بهمنی
۲۰۶	حادثه بیست و نهم شعبان
۲۰۶	اشغال بوشهر
۲۰۷	صورت اعلان
۲۰۷	عملیات انگلیس در ایام اشغال بوشهر
۲۰۸	حملات شبانه تنگستانی ها بر عمارات اطراف بهمنی
۲۰۸	بمباران ثانی بندر دلبار
۲۰۸	کشته شدن رئیس علی دلباری
۲۰۹	جنگ ۲۸ شوال در کوه معروف به کوزی
۲۰۹	ورود مجاهدین شیراز برای تخلیه بوشهر به برازجان
۲۱۰	منع انگلیس خروج مال التجاره از بوشهر به شیراز
۲۱۱	پذیرفتن انگلیس ها حاکم ایرانی برای بوشهر
۲۱۱	ورود حاکم به بوشهر
۲۱۱	سبب بروز احساسات اهالی فارس به سبب سیاست انگلیس
۲۱۲	آوردن اسرای انگلیس از شیراز به قریه اهرم
۲۱۳	کمک فرستادن صولت الدوله به مجاهدین شیرازی و دشتستانی در برازجان
۲۱۴	ورود قوام الملک، حبیب الله خان به بوشهر

۲۱۵	 صورت تلگراف
۲۱۷	 تعلیقات
۲۵۹	 نمایه‌ها
۲۶۱	 ۱. جای‌ها و نسبت‌های مکانی
۲۷۳	 ۲. کسان (اقوام، خاندانها، گروه‌ها و...)
۲۹۰	 ۳. کتابها و نشریات
۲۹۱	 ۴. اوزان، مقیاسها، بادها، کشتی‌ها (جهازات)، واژه‌های فرنگی و خاص
۲۹۵	 منابع (مقدمه و تعلیقات)
۲۹۵	 کتاب‌ها
۲۹۸	 مقالات
۲۹۹	 منابع انگلیسی

پیش‌گفتار

متن تاریخ بوشهر از همان اولین تورق، متنی استثنایی برای تاریخ و فرهنگ بوشهر و فارس به نظر رسید. اثری که پس از گذشت حدود ۱۰۰ سال هنوز بوی تازگی می‌دهد و چهره نویسنده را به عنوان مؤلفی آگاه به تاریخ و روش‌های تاریخ‌نگاری می‌شناساند. وی علاوه بر آن‌که به‌خوبی به ریشه‌یابی مسائل پرداخته و ارتباط وقایع ملی و بین‌المللی را با حوادث منطقه روشن می‌کند، برای پی‌جویی برخی مسائل، چون مورخی امروزی، حتی به سراغ اسناد و تلگراف‌های رد و بدل‌شده در حوادث می‌رود و متن اصل اسناد را به عنوان شاهد ذکر می‌کند. وی از منابع غیر فارسی نیز به‌خوبی بهره گرفته است. چنانکه در یک جا به ترجمه یک متن آلمانی توسط خود نیز اشاره می‌کند. (ص ۲۰۱).

متن موجود متأسفانه ناتمام است و به نظر می‌رسد بخش‌های موجود تدوین نهایی کتاب نباشد. ابتدای متن دارای مقدمه و فصل‌بندی منظم است. اما پس از چهار فصل، متن به صورت ذکر وقایع و حوادث پیش می‌رود که دارای ترتیب نسبی تاریخی است.

سعادت غیر از کتاب حاضر و کتاب تاریخ جزایر و بندر خلیج فارس، و علاوه بر کتاب‌هایی که خود در متن کتاب از جمله تألیفاتش بر می‌شمارد، به دو اثر دیگر خویش اشاره می‌کند که متأسفانه اطلاعی از آنها نداریم. او یک‌بار از تاریخ دشتستان (ص ۱۱۹) و یک‌بار از تاریخ لنگه (ص ۱۲۹) سخن گفته است. اگر مراد او از این بیان، بخشی از دو تألیف موجود نباشد، باید امیدوار باشیم روزی دو کتاب دیگر از او بیاییم.

باید یادآور شد که اولین اشارهٔ مکتوب به کتاب سعادت در سفرنامه سدیدالسلطنه کبابی

دیده می‌شود: «صبح شیخ محمدحسین سعادت شبانکاره‌ای، رئیس اسبق معارف بوشهر مؤلف تاریخ خلیج که حال عضو معارف فارس است آمدند».^۱

نسخه اساس

تنها نسخه موجود از این کتاب، دست‌نویسی متعلق به شادروان حکمت است که به استناد مهر مستطیل صفحه نخست: «کتابخانه اهدایی علی اصغر حکمت ۱۳۴۰»، در این سال به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران اهدا و منتقل شده است. این نسخه در فهرست کتابخانه بدین شکل معرفی شده است:

مؤلف: شیخ محمدحسین سعادت پسر محمدعلی کازرونی.

تاریخ کتابت: سده ۱۴.

تاریخ تالیف: نزدیک به سال ۱۳۴۰ ق ساخته شده است.

همه اطلاعات: تاریخ بوشهر: شیخ محمدحسین سعادت پسر محمدعلی کازرونی، ش ۹۵، نسخ سده ۱۴، جلد تیماج تریاکی مقوایی، خشتی^۲، تاریخ این شهر و بندرهای جنوبی ایران است و نزدیک به سال ۱۳۴۰ ق ساخته شده است، دو نسخه در این کتابخانه هست هر دو به شماره ۹۵، دومی با جلد مقوایی، به اندازه رحلی.

در فهرست نقل شده، دو دفتر موجود در کتابخانه مرکزی (شماره ۶۵ حکمت)، دو نسخه از یک کتاب دانسته شده است، اما این دو جلد به‌رغم مشترک بودن دیباچه، دو کتاب مجزا است: یکی تاریخ بوشهر و دیگری تاریخ جزایر و بنادر خلیج فارس. متن مصحح حاضر تنها نسخه نخست را دربر می‌گیرد. ترجیح دادیم تألیف دوم به صورت مستقل منتشر شود تا ارزش و اهمیت آن تحت تأثیر متن حاضر قرار نگیرد و بتواند جایگاه واقعی خود را بیابد. کتاب دوم نیز به‌زودی منتشر خواهد شد.

ویژگی‌های نسخه و تصحیح متن

متن تاریخ بوشهر در دفترچه‌ای از نوع دفاتر ۲۰۰ برگه جدید، با جلد مقوایی

۱. سدیدالسلطنه، سفرنامه، به تصحیح احمد اقتداری، تهران، به نشر، ۱۳۶۲، ص ۵۷۵. با سپاس از تذکر استاد اقتداری، سایه‌اش دراز باد!
۲. قطع وزیری است.

سرمه‌ای رنگ نوشته شده است. نوع کاغذ صفحات پایانی نازک و خط‌دار است و به همین دلیل خواندن متن را کمی مشکل کرده است.

متن کتاب به خط نسخ با مرکب سیاه و آبی نوشته شده است اما در حاشیه برخی صفحات و یا لابه‌لای سطور، یادداشتها و تکمله‌هایی به خط شکسته افزوده شده است. در پاره‌ای موارد برخی یادداشتها بر برگه‌های کوچکتري نوشته شده و لای اوراق نصب گردیده است. در تصحیح متن به یادداشت‌های برگ‌های ضمیمه اشاره شده است. تعداد سطرهای متن، ۱۸ تا ۲۰ سطر است.

در صفحه عنوان کتاب، احتمالاً به خط علی اصغر حکمت، نوشته شده است: «کتاب تاریخ بوشهر، مسوده ناتمام. در حدود ۱۳۴۰ نوشته شده است». نیز از این نسخه به عنوان نسخه خط مؤلف یاد شده است اما به دلیل وجود برخی اشتباهات فاحش در متن کتاب، بی‌تردید نباید تمام متن را خط مؤلف به حساب آورد.

یکی از ویژگی‌های نگارش مؤلف که نشانی از پیشتازی او در توجه به شیوه‌های نوین است، بهره‌گیری او از علائم ویرایشی به شمار می‌آید، از جمله، در متن اصلی، برخی توضیحات داخل پرانتز آورده شده است. بیشتر این موارد در تصحیح متن، به زیرنویس منتقل شد.

نیز یادآور می‌شوم که کار تصحیح متن بر اساس کپی میکروفیلم سیاه و سفید نسخه انجام گرفته است. تردیدی ندارم که تطبیق متن با نسخه اصلی می‌تواند برخی ناخوانایی‌ها را اصلاح کند اما این کار برای من میسر نشد.

شیوه نگارش مؤلف

محمدحسین سعادت در این اثر ارزشمند، سبک نگارش ویژه خود را دارد. در عین سادگی، ادیبانه می‌نویسد. قلم او حال و هوای ادبیات مشروطه را دارد. شاید چون هنوز ساده‌نویسی در آغاز راه است و زبان معیار کاملاً شکل نگرفته است، قلم مؤلف گاهی متأثر از گونه زبانی رایج در جنوب ایران و به‌ویژه گویش بوشهری است. گاه نیز جملات و کلمات در معنایی خاص به کار رفته‌اند. برای نمونه می‌توان از موارد ذیل یاد کرد:

پرشدن و خالی شدن دریا: جزر و مد (ص ۸). دم اسکله: کنار اسکله (ص ۲۹). حضرات انگلیسان: جماعت انگلیسی (ص ۳۰). عرض راه: در طول مسیر (ص ۴۷). در این زمان: در این برهه از زمان (ص ۴۷). بلند و برداشته می شود که منظور از بلند، برداشتن است (ص ۵۲). یک شبان و روز: یک شبانه روز (ص ۱۵۳ و ۲۱۰). از مثل: از قبیل (ص ۱۵۶). خرج تراشی: ریخت و پاش و هزین بی جا (ص ۱۷۰). توپ دهن پرکن و تفنگ دهن پرکن: توپ و تفنگی که از سر (لوله) پر می شده است. تفنگ خزینه دار: تفنگ خشاب دار. توپ سفری: توپ سبک. اسلحه ناریه: سلاح گرم (ص ۴۶). سرا: حیات (ص ۲۲). سورت گرما: شدت گرما (ص ۷). مشیله: مسیل یا باتلاق (ص ۱۸). برجه: تکیه (ص ۲۰). عشور: مالیات (ص ۱۴۵). تماشا داد: نمایش داد (ص ۱۶۸). همچنین، مالیات و مالیات گیری به صورت «عوامل و عمل» (صص ۱۳۹ ۱۳۸). انحصار دخانیات و ماجرای رژی به صورت «عمل دخانیه» (ص ۱۴۰). تجار ایرانی و غیر ایرانی داخل کشور به صورت «تجار داخله»، «تجار خارجه»، «مال داخله» و «مال خارجه» (ص ۱۳۸ و ۱۴۵). حقوق و مقرری ماهانه به صورت «مبلغی» (ص ۱۵۷). سرمردی: مالیات سرانه (ص ۳۸).

کاربرد واژه های فرنگی نیز از دیگر ویژگی های نثر او و متون این دوره است:

افیس (ص ۲۱)، استاتیسکت (ص ۱۱)، استیم لنج (ص ۱۹۹)، انتریک (ص ۲۰۶)، باستیان (ص ۸۳)، بالیوزگری (ص ۱۹۹)، بمبارد و بمبارد مان (ص ۱۹۳، ۱۹۵)، پتاته (ص ۳۵)، پولتیک و پولتیکی (ص ۸۳، ۱۶۴، ۱۸۶)، رشته تلفون (ص ۴۵)، رولسیون (ص ۱۶۰)، ساخلو (ص ۸۹)، سالدات (ص ۱۸۳)، سولجر (ص ۱۶۶)، فارنهایت (ص ۷، ۲۲)، لوروه (ص ۱۵۹).

متن کتاب حاوی اطلاعات ارزشمندی در حوزه های مختلف نیز هست. این اطلاعات را می توان در موارد ذیل طبقه بندی کرد:

نهادهای و مؤسسات تمدنی جدید، مانند: احصائیه، بالیوزگری، قرنطینه، خط آهن و راه آهن، ژاندارمری، راه شوسه، گمرک.

ابزار و وسایل جدید، مانند: اتومبیل، تلفن، چراغ برق، چراغهای الکتریک، تلگراف، دستگاه عکس متحرک، دلیجان.

ابزار و وسائل جنگی، مانند: توپ دهن پرکن، توپ سوزنی اطریشی، توپ کروپ، توپ مکسیم، تفنگ، خشاب.

اوزان و مقیاس‌های جدید و معادله‌های قدیم، مانند: اینچ، متر، میل، زام، فرسخ، ذرع، من، من هاشمی، من تبریز، من شیراز، مثقال، عدل، نگله، قیاس، کرور، گتر.

بادها، مانند: باد لکیزب، باد بارح، باد بری (باد صبا)، باد جنوب، باد سهیلی، باد شمال، باد صبا، باد لحمیر، باد نعشی، بادهای غیر ثابت المهب، ضربه.

کشتی‌ها، مانند: کشتی بخار، کشتی تجارتی، کشتی جنگی، کشتی شاهی، کشتی شرعی (بادی)، قایق، ماشوه، بکاره.

بیماری‌ها، مانند: بثورات بدن، بثورات صغار (دانه انجیر)، طاعون، پیوک (عرق مدنی). فرهنگ دریا و دریانوردی، مانند: بندکمبار، پایه، جاشو، خلاصی (سرباز بحری)، دایره نما (قطب‌نما).

پول‌ها، مانند: رویه، شاهی، قران، لیرا.

واژه‌های بومی، مانند: جفت، خضروات (سبزیجات)، شال نعمانی، قسب (خرمای خشک)، گاری اسبی، گلک قرمز، مال الخساره، مشیله، مُکاری، متیل، هیب و دیلم، نیم شمش، چوب چندل.

ضبط اعلام خارجی

در متن کتاب ضبط اعلام خارجی فرنگی (گاه به چند شکل و گاه متناسب با شیوه تلفظ معمول در دوره قاجاریه یا رسم الخطی متفاوت با امروز نوشته شده است. البته برخی از این موارد به تلفظ متفاوت در زبانهای انگلیسی، فرانسه و آلمانی باز می‌گردد، مانند:

فکستین = فین کن اشتاین (قرارداد ایران و فرانسه)، غاردان - گاردان (ژنرال فرانسوی)، سر هر فرد جنس = سرهار فورد جونز (دیپلمات انگلیسی)، کرنل^۱ ماکس = کلنل ناکس (ص ۱۹۵). فبروری = فوریه (ص ۱۹۸). جنوری = ژانویه «قناسل» و «قنسلات» به جای «کنسول و کنسول‌ها» (ص ۱۵۴ و ۱۷۳). اروپ و انگلتره به جای اروپا و انگلستان، قرانتین و

۱. در نواحی اطراف بوشهر را کرنل یا کرنیل نیز تلفظ می‌کنند. در صفحه ۲۰۱ که اصل اطلاعات حکومت نظامی انگلیس را منعکس کرده کلنل را به همین صورت نوشته است.

کرانتین به جای قرنطینه.

بنابراین چون متن کتاب رسم الخط واحدی برای واژه‌های فرنگی و برخی کلمات فارسی نداشت، شکل یکسان‌سازی شده کلمات در ویرایش متن حاضر به شرح ذیل است. در کلمات فارسی و عربی، تبدیلیه به ت، در نصرة، نصرة الدولة و نصرة الملك به نصرت ط به ت: اطراق / اتراق، حیاط داوود / حیات داوود، طهران / تهران، باطلاق / باتلاق و حذف واو: دوچار / دچار، ذوغال / ذغال، کومک / کمک همچنین تبدیل گواتر به گوادر و لنجه و النجه به لنگه و هنجام به هنگام.

در واژه‌های فرنگی جهت یک‌دستی متن این تبدیله‌ها صورت گرفته است:

آغوست به آگوست / امپراطور به امپراتور / ایتالی به ایتالیا / افریکا به افریقا / انج به اینج / بریطانی به بریتانی / بلجیک به بلژیک / بنک به بانک / پولیس به پلیس / جارج به جرج / جنرال به ژنرال / داکتر به دکتر / روتر و رایتر به رویتزر / سانسور به سانسور / سبتمبر به سپتامبر / فارنهایت به فارنهایت / فبروری به فبرای / قونسل و قونسول به کنسول / کمپنی به کمپانی / کمسیون به کمسیون / لارد به لرد / مکدونی به مقدونی / ملیون به میلیون / هولاند به هلند.

درباره نمایه‌ها

به منظور دسترسی آسان به محتویات اصل متن در پایان متن کتاب چند نوع نمایه تهیه شده است. به عنوان نمونه در باب نمایه کسان می‌توان گفت:

نام کسان در متون کهن و به‌ویژه در دوره قاجار به شکل‌های متفاوتی ممکن است ذکر شده باشد. دلیل این امر نیز وجود شکل‌های مختلف از یک نام، یا وجود نسبت‌های متفاوت خاندانی یا جغرافیایی و دریافت و تغییر القاب یک فرد در دوره‌های مختلف حیات اوست. بنابراین اگر نمایه‌سازی از این نام‌ها آگاهانه صورت نگیرد، علاوه بر آن‌که یک نام ذیل حروف مختلف الفبا قرار می‌گیرند، یافتن ارتباط میان نام‌ها کاری دشوار خواهد بود.^۱

۱. برای توضیح بیشتر درباره این روش نک: شیخ‌الحکمایی، عمادالدین، «کاتبان و قاضیان اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، پیشنهادی برای فهرست‌برداری و مستندسازی اسامی»، نامه بهارستان، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، شماره چهار، صص ۱۳۷-۱۵۲.

به عنوان مثال نام ذیل از ترکیب اطلاعات موجود در متن کتاب و شکل‌های مختلف اشاره به یک فرد به دست آمده است:

«نوابی دریابیگی، احمدخان، ملقب به عمیدالملک، امیرتومان و سردار»

در نمایه کتاب اکنون می‌توان هم ذیل نام کوچک و هم هر یک از القاب فرد، شش ارجاع به مدخل اصلی که دربردارنده تمام اجزای نام و شماره همه صفحات حاوی نام فرد است، یافت. اگر از چنین روشی برای نمایه‌سازی استفاده نشود، میان شخصیت‌ها خلط بسیار رخ خواهد داد.

در ذکر نام جایها نیز این ویژگی رعایت شده است. یعنی یک نام مکان در یکجا به عنوان مدخل اصلی، حاوی تمام شماره صفحاتی از متن است که آن نام در آن صفحه آمده است و از سوی دیگر می‌توان از طرق متعدد نیز به نام مورد نظر دست یافت. مثلاً: لنگرگاه غاوی هم ذیل لنگرگاه و هم غاوی هردو آمده است. بدین ترتیب هم می‌توانیم به نوع مکان و هم نام مکان دسترسی داشته باشیم.

علامتهای اختصاری تصحیح متن

... : هر سه نقطه نشان از یک کلمه ناخواناست.

[...]: سه نقطه داخل قلاب، نشان از کلماتی است که توسط کاتب جا افتاده است.

(?): علامت سؤال داخل پرانتز، تردید در قرائت را نشان می‌دهد.

—: خط تیره بلند نشان‌دهنده سفید ماندن و نوشته نشدن کلمه در متن اصلی است.

--: سه خط تیره، نشان‌دهنده کلمه یا جملاتی است که در نسخه اساس پاک شده است

xxx: این علامت برای کلماتی از بین رفته یا بریده شده از حاشیه کاغذ است.

تا آن‌جا که می‌دانم در تألیفات و تحقیقات انجام شده درباره تاریخ و فرهنگ بوشهر تاکنون کتاب ارجمند تاریخ بوشهر مورد رجوع و بهره‌برداری قرار نگرفته است. بنابراین انتشار این کتاب از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد. امیدوارم این تصحیح بتواند حق کتاب و مؤلف را به خوبی ادا کند.

سال‌ها پیش که طرح انتشار مجموعه‌ای منسجم برای منطقه کازرون را - با هدف احیای

هویت حوزه‌های کوچک فرهنگی برنامه‌ریزی می‌کردم، فهرستی از آثار مرتبط با منطقه کازرون تهیه کردم. این فهرست از یک سو متون مرتبط با تاریخ و فرهنگ منطقه را در بر می‌گرفت و از سویی آثار مؤلفین کازرونی را. در آن زمان نام کتاب تاریخ بوشهر بی آن‌که متن را دیده باشم - در این فهرست قرار داده بودم^۱.

در سال ۱۳۸۳، به لطف همکاران بخش خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کپی متن را تهیه، و کار بازنویسی را آغاز کردم. پس از حروف‌نگاری و نمونه‌خوانی، از دوست دانشمند و استاد ارجمند، جناب آقای دکتر خیراندیش خواستم تا با اشرافی که بر منطقه جنوب و تاریخ و حوادث این محال دارد، کار نوشتن مقدمه و تعلیقات را بپذیرد. ایشان نیز بزرگوارانه در این باب سنگ تمام گذاشت.

در پایان سپاس ویژه خود را از جناب آقای دکتر ایرانی مدیر محترم مرکز پژوهشی میراث مکتوب که پیشنهاد این‌جانب برای قرار گرفتن این کتاب در سلسله منشورات آن مرکز را با گشاده‌رویی پذیرفتند ابراز می‌دارم. بدیهی است همکاران محترم آن مرکز نیز در بازبینی مجدد کتاب سهیم‌اند. خداوند بر توفیقاتشان بیفزاید!

عمادالدین شیخ‌الحکمایی

۱. بی‌تردید یادآوری مجدد دوست گرامی، آقای خسرو خواجه‌نوری در توجه مجدد به این نسخه قابل ذکر و سپاس فراوان است.

مقدمه

نقد و نظر درباره کتاب تاریخ بوشهر

تاریخ بوشهر اثر ارزشمند شیخ محمدحسین سعادت، هرچند قسمت‌هایی از آن یادداشت‌هایی است که قبل از جنگ جهانی اول و در بوشهر نوشته شده، اما اصل و اساس آن مربوط به سال‌های جنگ جهانی اول و ایامی است که مؤلف در شیراز سکونت داشته است. آن هنگام بوشهر در اشغال قوای بریتانیا بود و یکی از دغدغه‌های مردم ایران در آن زمان همین امر به شمار می‌آمد.

محمدحسین سعادت که خود سالها ساکن بوشهر و فعال در امور فرهنگی آن‌جا بوده، مشاهدات و اندیشه‌های خود درباره جغرافیای بوشهر، اوضاع شهر بوشهر و نیز حوادث و وقایع آن دوره را در این کتاب منعکس ساخته است. لذا هرچند قسمت‌هایی از این کتاب در بردارنده تاریخ شبه جزیره بوشهر^۱ از عهد باستان است و نیز مباحثی از دوره افشاریه، زندیه تا نیمه نخست قاجاریه را که مربوط به بوشهر است ارایه می‌نماید، اما این بخش از مطالب او

۱. نام بوشهر Bushehr به صورت بندر بوشهر، شهر بوشهر، جزیره بوشهر، شبه جزیره بوشهر و اکنون یک استان و مرکزیت آن کاربرد دارد. از منظر جغرافیای طبیعی، زمین بوشهر به واسطه پیشروی آب دریا از ساحل اصلی به واسطه شکل‌گیری یک باریکه مرادبی که بدان مسیله Mesileh می‌گویند، جدا می‌شود. لذا گاهی بدان جزیره بوشهر گفته‌اند. نیز چون این مسیله با عقب‌نشینی آب دریا، خشک می‌شود، خاک بوشهر با ساحل اصلی یکی می‌شود. در همین جاست که بدان برج مقام Moqam می‌گویند. لذا صورت شبه جزیره پیدا می‌کند و بدان شبه جزیره بوشهر گفته‌اند.

مأخوذ از منابع تاریخی و جغرافیای تاریخی است، لذا هرچند سعی او در ارائه طرحی کلی از تاریخ بوشهر به نحوی منسجم و مرتب جای تقدیر فراوان دارد، اما از نظر دانش و روش جدید تحقیقات تاریخی محل نقد و نظر نیز هست. نباید از نظر دور داشت که در همان سالها لوریمر کنسول بریتانیا در بوشهر و سدیدالسلطنه نیز گزارش‌های جالب توجهی درباره بوشهر در آثار خود منعکس ساخته‌اند.^۱ با این حال دقت نظرهای سعادت در حوادث بوشهر و اظهار نظرهایی که ارائه می‌کند، موقعیت خاصی را برای این اثر به وجود می‌آورد. جا داشت که این اثر سال‌ها پیش از این تصحیح و منتشر می‌شد، اما اکنون و با وجود گذشت نزدیک به یک قرن از تألیف آن، همچنان می‌توان آن را اثری نه تنها کم‌نظیر بلکه بی‌نظیر دانست. این نکته‌ای در خور تأمل است که برای حدود دو قرن که بوشهر بندر اصلی ایران در جنوب و نیز مهم‌ترین بندر ایران به شمار می‌آمد، تنها اثر مستقل و جامع در باره تاریخ بوشهر که به دست ما رسیده همین کتاب سعادت است. اگر چه در منابع اشاراتی نه چندان دقیق به کتاب‌هایی دیگر نیز شده است و امید آن‌که روزی یافته شوند، اما تنها اثر در دسترس و با ارزش فعلاً همین کتاب است.

شیخ محمدحسین سعادت را باید از مفاخر علمی و فرهنگی جنوب و بلکه کل ایران در دوره معاصر به شمار آورد. متأسفانه مقام، منزلت و ارزش خدمات او و برادرش شیخ عبدالکریم برای مردم ایران به درستی شناسانده نشده است. شرح آثار و اقدامات آن‌دو و

۱. لوریمر Lorimer کنسول بریتانیا در بوشهر بود و در اوایل قرن بیستم کتاب راهنمای خلیج فارس (*Gazeteer of the Persian Gulf*) را در مجلدات متعدد تدوین کرد. این کتاب مشتمل بر تاریخ و جغرافیای خلیج فارس و از جمله بوشهر و نواحی آن است. این کتاب با نام *دلیل الخلیج* [الفارسی] به عربی ترجمه شده و آقای سید محمدحسن نبوی بر اساس همین ترجمه عربی، گزیده‌ای از آن را به فارسی برگردانده است. نیز شنیده می‌شود بعضی محققان معاصر ترجمه‌ای از متن انگلیسی را به فارسی انجام داده‌اند. نگارنده نیز ترجمه مدخل‌های مربوط به سواحل ایران را انجام داده که امید است با تکمیل توضیحات تقدیم جامعه علمی گردد.

محمدعلی خان سدیدالسلطنه کبابی بندرعباسی از مأمورین دیوان دولت ایران در آخر عهد قاجار بود که در مناطق مختلف خلیج فارس خدمت کرد. او مشاهدات و تحقیقات خود را درباره سواحل و جزایر خلیج فارس در کتابهای متعدد منعکس ساخته است. بیشتر این آثار توسط محقق برجسته، آقای احمد اقتداری، که عمرش دراز باد، به چاپ رسیده و در دسترس همگان قرار دارد. در این آثار راجع به بوشهر نیز مطالب فراوان و ارزشمندی وجود دارد.

نیز موارد خاص ارزش این کتاب را در ادامه خواهم آورد. تنها برای آن که ارزیابی اثر را از نظر نقد تاریخی بتوانم عرضه نمایم، اضافه می‌کنم که تأسیس و اداره مدرسهٔ پرافتخار سعادت در بوشهر (تأسیس ۱۳۱۷ق) از جملهٔ اقدامات آن‌هاست. و چنان‌که در ادامه خواهد آمد، این کتاب به‌نحوی تاریخ مدرسهٔ سعادت نیز هست. در همان حال سعادت از رجال آزادی‌خواه، ملی، نوگرا و پرتلاش عصر مشروطه و پس از آن نیز به شمار می‌آید. فعالیت‌های او بیشتر در تهران، شیراز، بوشهر و عتبات بوده است. این همه، به او درک عمیق و همه‌جانبه‌ای داده بود. لذا می‌توان توأمان چهار سطح در نگاه به تاریخ بوشهر از منظر جهانی، ملی، منطقه‌ای و محلی در کتاب او سراغ گرفت. آن‌جا که مؤلف تحولات اروپای عصر استعمار و در پیوند با آن هند را مطرح می‌سازد، در واقع این‌بعد از تاریخ جهانی را برای تبیین فرازهای اصلی تاریخ ملی معاصر ایران عصر قاجار به کار می‌گیرد. از این‌روست که در این کتاب، برای خواننده‌ای که دقت اندکی به خرج می‌دهد، مشکل و شاید عجیب می‌نماید که بحث از قراردادهای ایران با بعضی از دول خارجه در مسائلی به ظاهر غیر مرتبط با بوشهر چرا مطرح شده است. سپس در ادامهٔ همان مطالب است که مسائل مربوط به هرات و ارتباط آن با تاریخ بوشهر ارائه می‌شود. زیرا دو نوبت که دولت ایران در عصر محمدشاه و ناصرالدین شاه عزم جزم به حل و فصل مسئلهٔ هرات داشت در هر دو نوبت و در صدها کیلومتر دورتر از هرات، این بوشهر بود که به اشغال نیروهای بریتانیایی در می‌آمد. از این‌روست که پرداختن به مباحثی از تاریخ روسیه، فرانسه، بریتانیا و عثمانی و روابط ایران با آنها به‌عنوان تاریخ جهانی و در همان حال تاریخ ملی ایران در این کتاب دیده می‌شود. اگر چه در این‌جا در ارزیابی توانایی و توفیق روشمند مؤلف نباید راه مبالغه را پیمود، اما صرف تلاش او در این زمینه و ارائه اطلاعاتی عمومی بسیار ارزشمند است؛ مشروط بر آن‌که خواننده به دیدهٔ دقت در آن بنگرد.

بر اساس همین دیدگاه است که محمدحسین سعادت تأسیس بندر بوشهر به دستور نادرشاه و سپس ضرورت تصویب اقدامات حاکم بوشهر توسط دولت زندیه را بازگو می‌کند. ادامهٔ منطقی چنین رویکردی، ملاحظهٔ تاریخ بوشهر در یک بستر جغرافیایی منطقه‌ای است. برای محمدحسین سعادت این مقوله، همان تاریخ خلیج فارس است. زیرا

بوشهر به عنوان یک شهر بندری از نظر میزان تجارت، عمران و آبادانی، جمعیت و ثروت، ارتباطات جهانی و امکاناتی از این دست در سراسر خلیج فارس قرن نوزدهم نظیر و رقیب نداشت. چنان که تمامی دولت های بزرگ در بوشهر کنسولگری داشتند و دهها تجارتخانه ایرانی و خارجی در بوشهر مستقر و فعال بود. نیز خدمات پستی و ارتباط تلگرافی، قرنطینه و بانک در آن جا ارائه می شد. به همین دلیل بود که دولت بریتانیا سرکنسولگری خود را در بوشهر مستقر ساخته بود.

با چنین تصویری از بوشهر به درستی امکان ارائه تاریخ محلی آن در این کتاب فراهم شده است. تاریخ محلی بوشهر در واقع همان تاریخ شهر و بندر بوشهر است و چنان که توصیف دقیق تری از آن را بخواهم ارائه کنم، باید آن را تاریخ توسعه نظام مدنی شهر بوشهر بنامم. این از آن روست که بندر کوچک بوشهر دوره نادرشاه (بندر نادری) کم کم رشد کرد و فضای کالبدی شهری آن توسعه یافت. چنان که از رأس شمالی شبه جزیره بوشهر (باسیدان) گذشت و دارای محلات متعدد شد و باغ ها و روستاهای حومه خود را در بر گرفت. آن چنان که دیگر میان بندر، شهر و شبه جزیره بوشهر تفاوتی وجود نداشت و همه به صورت یک واحد جغرافیایی شهری در آمدند. این رشد و گسترش در سایه استقرار امنیت در داخل و خارج شهر بوشهر، توسعه اقتصاد تجاری آن، ترقی شرایط رفاهی، افزایش ثروت، زیاد شدن جمعیت و تنوع بخشیدن به فعالیت های اقتصادی آن میسر شد. چنین تحولاتی از عصر نادرشاه تا ناصرالدین شاه به طور مستمر صورت گرفت و تحقق یافت.

بررسی چنین فرآیندی گویای این واقعیت مسلم است که بوشهر هیچگاه ساختار سیاسی و جمعیتی قبیله ای نیافت. بلکه همواره بنیاد اجتماعی آن را شهریت مبتنی بر حقوق فردی و آزادی های عمومی تشکیل می داد. این خصوصیت نه تنها بوشهر را به طور کامل با سواحل جنوبی خلیج فارس که مبتنی بر نظام قبیلی (Tribalism) بود متمایز می ساخت. بلکه با نواحی پیرامونی آن نیز اندکی متفاوت می نمود. تنها برازجان در هفتاد کیلومتری به عنوان مهمترین شهری که پس از بوشهر در داخله خاک ایران قرار داشت در مقیاسی کوچکتر قابل ذکر بود. زیرا در فاصله حکمرانی سالم خان برازجانی تا غضنفرالسلطنه برازجانی که از روزگار فتح علی شاه تا احمدشاه قاجار را در بر می گیرد، توسعه و تنوع مشاغل شهری و

اقتصاد تجاری و آزادی اقلیت‌ها در برازجان بدان اندازه بود که جامعه‌ای مبتنی بر مناسبات شهری را به نمایش می‌گذاشت.^۱ برای بوشهر، داشتن خصوصیات جامعه‌ای شهری بدان حد بود که آن را در سطحی بین‌المللی قرار داد. تنوع ادیان و مذاهب، استقرار کنسولگری‌ها و تجارت‌خانه‌های خارجی، وجود چندین کلیسا و کنیسه، برقراری یک نظام اداری پردوام، توسعه مؤسسات مالی اعم از بانک و صرافی، بهره‌گیری از پست و تلگراف و بسیاری امکانات دیگر بوشهر را پدیده‌ای شاخص ساخته بود. چنین نظام شهری از نگاه دقیق و نکته‌سنج شیخ محمدحسین سعادت در کتاب تاریخ بوشهر به دور نمانده است. از این روست که تفاوت داخل و خارج (صحرا) بوشهر و نیز مؤسسات تمدنی آن و اموری چون گمرک و مالیات و مناسبات و مشاجرات مربوط به تجارت را با دقت خاصی که توأم با نقد و نظریه‌پردازی است مطرح می‌کند. با همه این احوال محمدحسین سعادت با معیاری عقلی و اخلاقی تحولات روزگار خود را مورد بررسی قرار داده است؛ آن هنگام سلسله قاجاریه آخرین دهه عمر خود را طی می‌کرد. هرچند انقلاب مشروطه (۱۳۲۴ ق / ۱۹۰۶ م)، قرارداد تقسیم ایران میان روس و انگلیس (۱۳۲۵ ق / ۱۹۰۷ م)، جنگ جهانی اول و اشغال ایران (۱۹۱۸ - ۱۹۱۴ م)، قرارداد وثوق‌الدوله (۱۳۳۹ ق / ۱۹۱۹ م) و کودتای سردار سپه و سید ضیاء (۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۱ م) در پی یکدیگر می‌آمدند و این همه پس از قراردادهای گلستان (۱۲۲۸ هـ / ۱۸۱۳ م)، ترکمن‌چای (۱۲۴۳ هـ / ۱۸۲۸ م)، معاهده پاریس (۱۲۷۳ ق / ۱۸۵۷ م) و انواع معاهدات و امتیازات شبه استعماری عصر قاجار بود که در مجموع، ایران را به صورت کشوی عقب‌مانده، فقیر و ضعیف وارد قرن بیستم ساخت. با این همه تا سال ۱۳۰۴ ش / ۱۹۲۵ م. فرا نرسید، سقوط قطعی سلسله قاجاریه پس از یک دوره طولانی زوال تحقق

۱. جامعه برازجان قرن نوزدهم از ترکیب جمعیت بومی و مهاجر شکل گرفت. اگر چه بنیاد این جامعه را در قدم اول مناسبات زمین‌داری تشکیل می‌داد اما خیلی زود بهره‌گیری از راه شاهی، اقتصاد آن را مرتبط با تجارت ساخت. بدین جهت بازار برازجان کم‌کم رکن اصلی جامعه شهری شد و با جذب مهاجرینی از کازرون و دیگر نقاط، مشاغل مختلف در آن پدید آمد. بهره‌گیری از خط تلگراف و نیز وجود یک اقلیت یهودی و خانواده‌ای مسیحی که در کمال امنیت و آرامش زندگی می‌کردند، گویای مناسبات مدنی مبنی بر حقوق فردی در آن شهر بود. نیز قدرت خوانینی چون سالم‌خان، محمد حسن خان و سپس میرزا حسین خان و میرزا محمدخان غضنفرالسلطنه به میزان قابل ملاحظه‌ای مناسبات طایفه‌ای را پشت سر می‌گذاشت.

نیافت. این سال پایان سلسله قاجاریه بود و کتاب تاریخ بوشهر حدود ۱۰ سال پیش از آن تألیف شده است.

آن هنگام متفکران و ملیون ایرانی میان آرمان‌خواهی و واقعیت‌گرایی سرگردان بودند. آرمان‌گرایی بدین معنا که آرزوی پیشرفت و ترقی، جبران شکست‌های نظامی گذشته و از دست‌رفتن مرزها، ترمیم خرابی‌ها و عقب‌افتادگی‌ها مطرح بود و بعضی از کوشندگان عرصه سیاست و اندیشه بر این باور بودند که درگیری قدرت‌های بزرگ و صدمات وارده به آنها در جنگ جهانی اول، فرصتی مناسب برای ایرانیان است تا به جبران مافات بپردازند.^۱ اما واقعیت‌نگری گویای این امر بود که با جامعه‌ای ضعیف، عقب‌مانده، با اکثریتی فاقد سواد و ناآشنا به حقوق خویش، اقتصادی نابودشده و ارتشی که وجود خارجی نداشت و ...، چه‌گونه می‌توان راه دشوار استقلال، آزادی و ترقی را پیمود. هرچند پاسخ‌های متفاوتی بدین مسائل داده می‌شد و نیز راه‌های متعددی پیموده شد، اما در مجموع این پاسخ‌های متفاوت و اقدامات گوناگون بیشتر گویای سرگردانی، آشفتگی و انشقاق بود.

فراز و فرودهای شکننده جامعه ایرانی از مشروطه تا سالها بعد، گویای این واقعیت دردناک بود و شیخ محمدحسین سعادت نه تنها در چنین فضای تاریخی به ایران عصر خود می‌نگریست بلکه به طور خاص بوشهر اشغال شده توسط بیگانه را می‌دید. از این‌روست که قلم او، نقدی تند بر اندیشه و عمل مردمان آن روزگار است. از زاویه نگاه تاریخ‌شناسی، آن زمان بوشهر دوره‌ای از تاریخ خود را می‌گذراند که می‌توان آن را بوشهر عصر قاجاری (بوشهر قاجاری) نامید. به عقیده نگارنده، خصوصیت اصلی بوشهر قاجاری «تعارض» ناشی از هم‌نشینی بی‌ثبات و شکننده نوگرایی و سنت‌گرایی بود.

اما پیش از آن‌که این وضعیت و چگونگی انعکاس آن در تاریخ بوشهر سعادت را بررسی کنیم، لازم است نگاهی به شرایط تاریخی مقدم بر آن داشته باشیم. قول به «بوشهر قاجاری» لاجرم اصطلاحات بوشهر عصر زندیه (بوشهر زندیه) و بوشهر عصر افشاریه (بوشهر

۱. تفاوت و تعارض در مواضع سیاسی سیاستمدارانی چون مستوفی‌الممالک، فرمان‌فرما، مخبرالسلطنه، نظام‌السلطنه و دیگران را می‌توان شاهد این نظر دانست. مخبرالسلطنه جنگ جهانی اول را فرصتی برای بازپس‌گیری قفقاز و فرمان‌فرما فرصتی برای دوستی با انگلستان می‌دانست در حالی که مستوفی‌الممالک واقع‌بینی توأم با دیپلماسی را می‌خواست.

افشاری) را متبادر به ذهن می‌سازد.^۱ هرچند پیش از این نیز عنوان بندر نادری، برای بوشهر، گویای شرایط جدیدی بود که در آن قرار می‌گرفت. با این‌همه باید توجه داشت که تا قبل از تأسیس بندر کنونی بوشهر به فرمان نادرشاه افشار، این بندر دارای موجودیت و نیز موقعیت محلی بوده است. بحث دربارهٔ بوشهر پیش از نادرشاه را به مجالی دیگر می‌گذارم و تنها به این نکته بسنده می‌نمایم که تا زمان نادرشاه فرآیند انتقال جمعیت و اقتصاد بندر ریشهر به بوشهر که از زمان شاه طهماسب اول صفوی آغاز شد، دیگر کامل شده بود.^۲ این هنگام بوشهر در مقام و موقعیت یک شهر بندری پدیدار شده بود و ریشهر در ابعاد یک روستا، هرچند با آوازه‌ای بلندتر، در کنار مجموعه روستاهایی قرار می‌گرفت که در سراسر شبه‌جزیرهٔ بوشهر پراکنده بودند. این زمان (بوشهر عصر افشاری) چنان‌که سعادت نیز تأکید کرده، مرحلهٔ «تأسیس» بوشهر است.

متأسفانه اطلاعات ما از اوضاع داخلی «بوشهر افشاری» اندک است و بیشتر بر اساس موقعیت آن در خلیج فارس می‌توانیم بررسی خود را ادامه دهیم. آن هنگام، پادشاه افشار درگیر شورش‌هایی در خلیج فارس بود که تمشیت آنها مستلزم بهره‌مندی از یک پایگاه مطمئن بود. پایگاهی که می‌بایست جاذبهٔ اقتصادی و نیز امکانات تدارک کشتی‌ها را هم داشته باشد. بوشهر چنین شرایطی داشت، زیرا بافت جمعیتی درون و بیرون آن فارغ از شرایط بی‌ثبات محیط‌های قبایلی دیگر نقاط بود. در همان حال جلگهٔ ساحلی منتهی بدان، یعنی منطقهٔ دشتستان به‌خوبی می‌توانست نیازهای کشاورزی و دامی آن را برآورده سازد. حکومت قدرتمندی که با انتصاب محمدتقی‌خان به حکمرانی فارس در شیراز پدید آمده بود نیز نادر را مطمئن می‌ساخت که تأسیس بوشهر اهداف مورد نظر او را تأمین خواهد کرد. در چنین شرایطی استقرار ابومهری‌ها^۳ در بوشهر به عنوان اتباع دولت افشاریه و تلاش و

۱. پیش از این نیز چنین اصطلاحاتی در منابع رایج شده است مانند اصفهان صفوی، اصفهان سلجوقی... که بیشتر در حوزهٔ باستان‌شناسی و تاریخ بوده است.

۲. در زمان شاه طهماسب اول صفوی، حسن سلطان ریشهری سرکوب شد و این امر سرآغاز یک رشته تحولات در سواحل شمالی خلیج فارس گردید.

۳. ناصرخان ابومهری آل مذکور در دورهٔ نادرشاه و به فرمان او در بوشهر مستقر شد. خاندان او را بعضی منابع با آل مذکور مخاطب ساخته‌اند اما این خطابی دقیق نیست، زیرا خاندان ناصرخان فاقد موقعیت قبیله‌ای در بوشهر بود و لذا در این نوشته با عنوان ابومهری مورد اشاره قرار گرفته‌اند. نیز آل مذکور در تعلیقات دیده شود.

تکاپوی لطیف‌خان و ملاعلی شاه در مقام دریا سالاری در قدم اول توسعه و تثبیت حاکمیت دولت مرکزی ایران در پی سالها ناآرامی پس از فروپاشی صفویه، و در قدم دوم آغاز دوره جدیدی از اقدامات ایرانیان در عرصه دریا را به دنبال داشت. محاسبات نادرشاه افشار علی‌رغم همه مشکلاتی که تأسیس یک بندر با مقیاس بین‌المللی داشت، درست از آب در آمد. هرچند نیروی دریایی جوان نادر قابل مقایسه با نیروهای دریایی استعمارگران اروپایی حاضر در اقیانوس هند نبود اما با بهره‌گیری از برتری سرزمینی اهرم‌های اقتصادی و اقدامات سیاسی، این نیروی دریایی خوش درخشید. ناکامی سال‌های بعدی آن را بیش و پیش از هر چیز باید به حساب جان‌باختن نابه‌هنگام نادر دانست.

در مجموع، بوشهر افشاری مرحله تأسیس این بندر را با موفقیت تجربه کرد و این خود باعث شد هرچند پس از نادر اوضاع به یکباره آشفته گردید بندری به‌جز بوشهر هم به عنوان بندر اصلی ایران در نظر گرفته نشود. این در حالی بود که بندرعباس همچنان امیدوار به احیای گذشته و بندر ریگ آرزومند تصاحب آینده بود. امیدی که حاکمان بندر ریگ برای خود داشتند از آن‌رو بود که در صعود خان زند به قدرت ایفای نقش کرده بودند. به‌علاوه در جلگه ساحلی شمال خلیج فارس قدرتی قابل توجه به‌شمار می‌آمدند. آن هنگام نیروهایی که طی چندین دهه در نواحی حدفاصل شیراز و خلیج فارس شکل گرفته بودند در تحولات فلات مرکزی ایران پس از نادرشاه، که در واقع همان جدال میان مدعیان سلطنت بود، فرصت بروز و ظهور می‌یافتند.

از نگاه دولت زندیه خاندان ابومهیری در این راستا خدمت قابل توجهی نکرده بود، اما پس از پیروزی کریم‌خان بر رقیبان، این مشکل پیش آمد که میرمهنای بندرریگی قدرتی بیش از فرمانروای یک بندر با موقعیت تجاری را طلب می‌کرد، از این‌رو ابومهیری‌ها در قدم اول به عنوان رقیبی متعادل‌کننده و در قدم دوم حریفی سدکننده در برابر میرمهنای مورد استفاده قرار گرفتند. این امر امکان داد تا تاریخ بوشهر را از مرحله تأسیس افشاری به مرحله «تثبیت» زندیه وارد سازد. حذف میرمهنای سپس مطیع ساختن کعبیان و سرانجام تصرف بصره نیز به تثبیت موقعیت بندری ممتاز بوشهر کمک بیشتری رساند و حتی به «تحکیم» آن نیز انجامید. آن‌هنگام که عمر کوتاه مدت سلسله زندیه به آخر می‌رسید، جامعه تجاری بوشهر نظام

شهری خاص خود را به دست آورده بود؛ جامعه‌ای که با هم‌نشینی مقیمان و مهاجران شکل می‌گرفت. چنین هم‌نشینی را می‌توان با نام محلات و مساجد بوشهر مانند بهبهانی، دهدشتی، شنبیدی، ... دریافت. در این جا میدان مرکزی و خیابان اصلی وجود نداشت که غلبه یک پدیده سیاسی جمعیتی خاص و بالتبع گروه تجاری معینی را از خود نشان دهد. از نگاه جامعه تجاری بوشهر اعم از ایرانی و خارجی، ابومهری‌ها فقط با حفظ موقعیت تجاری بوشهر موجودیت می‌یافتند و دولت مرکزی نیز جز این نمی‌اندیشید. لذا در تحول قدرت از زندیه به قاجاریه، هرچند برای دولت تازه تأسیس قاجار، ابومهری‌ها محل اعتماد و قابل اتکا دیده نشدند، اما اهمیت تجاری بوشهر به درجه‌ای رسیده بود که منافع فراوانی از آن انتظار می‌رفت. تا این هنگام که اوایل دولت قاجاریه بود، اقتصاد تجاری بوشهر به طور کامل با اقتصاد جهانی قرن نوزدهم گره خورده بود. هرچند این اقتصاد بخشی از امکانات خود و نیز تمامی امنیت داخلی خویش را مرتبط با خاندان شاه منصورخان برازجانی در دشتستان، احمدشاه خان تنگستانی در تنگستان و خاندان زال‌خان خشتی در اطراف کازرون و جایی دورتر در خان‌نشین دشتی می‌دید، اما پیوندهای این اقتصاد رو به رشد روزبه‌روز با نظام تجارت جهانی بیشتر می‌شد. یکی از جلوه‌های چنین رشدی را می‌توان در توسعه کالبدی شهر بوشهر دید. کم‌کم دیواری که رأس شمالی شبه‌جزیره بوشهر را از مناطق دیگر شبه‌جزیره جدا می‌کرد و شهر بوشهر را در خود جای می‌داد، توسعه یافت و سرانجام تا پایان آن قرن، سراسر شبه‌جزیره بوشهر را به صورت یک شهر واحد که نظام مبادله، امنیت، دفاع و حتی فرهنگ شهری واحدی را طلب می‌کرد در آورد.

جلوه دیگر چنین اقتصاد در حال رشدی را می‌توان در ترقی روزافزون «جاده شاه‌ی» دید که از بوشهر به برازجان و سپس به کازرون و شیراز و سرانجام اصفهان و تهران می‌رسید. همچنان که بوشهر تنها بندر تجاری واجد اهمیت ایران می‌شد، این راه نیز به واقع شاهراه اصلی تجارت خارجی ایران از طریق آب‌های آزاد جنوب بود. ثروتی که از طریق این جاده جابه‌جا می‌شد از یک سو رونق مجدد شهرهای شیراز و بوشهر پس از رکود متعاقب سقوط زندیه را موجب می‌شد و از سوی دیگر قدرتهای محلی کوچکی با درجه مسئولیت‌پذیری کمتری را در اطراف جاده شاه‌ی پدید می‌آورد. شکل‌گیری خان‌نشین‌های چاه‌کوتاه، انگالی،

دالکی، کنار تخته، کمارج و شبانکاره، با دورنمای وسوسه‌انگیز بهره‌گیری از تجارت پر رونق جاده شاهی همراه بود.

تعارضات میان این خان‌نشین‌ها با یکدیگر و مداخلات آنها در روند تجارت جاده شاهی از آن پس به صورت پدیده‌ای مستمر در تاریخ جنوب ایران عصر قاجاریه در آمد. این بی‌ثباتی خیلی زود خان‌نشین‌های قدیمی و شناخته‌شده دشتی، دشتستان، تنگستان، قشقایی و کازرون را با تعارضاتی در درون و بیرون قلمرو خود مواجه ساخت. با همه این احوال هیچ‌یک از این خان‌نشین‌های کوچک و بزرگ امکان ایجاد تغییراتی وسیع و بلندمدت در منطقه ساحلی و مسیر جاده شاهی را نداشتند. اما برای بوشهر به عنوان مبدأ و مقصد تجارت خلیج فارس و نیز قدرت مالی اصلی سراسر این دریا چنین امکانی مطرح بود. لذا درحالی که ابومهری‌ها می‌توانستند با اهرمهای اقتصادی خود و به‌ویژه امکانات تجارت با امپراتوری مستعمراتی بریتانیای قرن نوزدهم، نقش قابل توجهی در توسعه اقتصادی جلگه ساحلی (شمال خلیج فارس) ایفا کنند؛ با ناشکیبایی هر چه تمامتر کوشیدند با توسل به نیروی قهریه در مناطق مجاور خویش مداخله نمایند. بدیهی بود که قابلیت محدود نیروی نظامی یک‌بندر نمی‌توانست حریف جنگ‌جویانی شود که استقلال عمل خود در کوه و دشت را یک ضرورت حیاتی می‌دیدند.

تعارضات ابومهری‌ها با نواحی تنگستان، دشتستان و دشتی هرچند در سلسله وقایع مربوط به اخذ مالیات دیوانی جلوه‌گر می‌شد، درواقع بر بستر شرایط عمومی یاد شده، چهره می‌بست. امری که در نهایت ابومهری‌ها را در چنین تعارضی بازنده نهایی ساخت، موضع‌گیری دولت قاجاریه در قبال این شرایط نابخردانه و پرخسارت بود. دولت قاجاریه که با بهره‌گیری از شاه‌زاده‌نشین شیراز، سراسر فارس و ناحیه ساحلی و از جمله بوشهر را اداره می‌کرد، از یک سو بر بنیاد اندیشه قبایلی خود بیشتر متمایل به بهره‌گیری از روش‌های نظامی یک جامعه قبایلی برای تأمین امنیت راه بوشهر به شیراز بود و از سوی دیگر یک اقتصاد بندری در حال رشد را پدیده‌ای مطابق منافع خود، که فاقد هرگونه قانون‌پذیری بود می‌خواست. برای دولت قاجاریه بسیار مشکل بود که میان عدم همراهی مؤثر ابومهری‌ها در به زیر کشیدن زندیه و چشم‌پوشی از منافع اقتصادی حاصل از این‌بندر تصمیم بگیرد.

لذا تاریخ بوشهر عصر قاجاری با «تردید» آغاز شد و به «تعارض» انجامید. این تعارض چنانکه گفتیم برخاسته از اندیشه قبایلی دولت قاجاریه بود که درک صحیحی از اقتصاد جهانی و شرایط آن و نیز جامعه بندرنشینان نداشت. نتیجه این امر در یک نگاه بلند مبتنی بر جامعه‌شناسی تاریخی، تحکیم شرایط سنت‌گرایی در نواحی اطراف بوشهر بود. امری که منابع اروپایی از آن با عنوان نظام قبایلی یاد می‌کنند. این در حالی است که چنین اطلاقی در واقع تعمیم شرایط متفاوت سواحل جنوبی خلیج فارس برای سواحل شمالی آن است. هرچند این سنت‌گرایی معنایی دیگر دارد، اما جامعه بوشهر به نحو روز افزونی به دلیل پیوند با اقتصاد جهانی و ارتباطات وسیع با هند و دیگر جاها به نوگرایی روی آورد. این نوگرایی به عکس تهران، ماهیت دولتی و درباری نداشت. طبقات متوسط و حتی پایین نیز در آن مشارکت داشتند. روزنامه، چاپ‌خانه، تلگراف، تلفن، پست، برق، یخ‌سازی، عکاسی، پارچه کارخانه‌ای^۱ و ... امکاناتی بود که پیش از دیگر مناطق جنوب ایران به بوشهر می‌رسید و جامعه شهری بوشهر با بهره‌مندی از آن رفاه و رونق زندگی خویش را شکل می‌داد. این همه موجب تمایز جامعه شهری از آن چیزی می‌شد که بدان «صحرایان» اطلاق می‌گردید. در تاریخ بوشهر سعادت به‌خوبی می‌توان شواهد شکل‌گیری تفاوت میان شهر و صحرا را دید. منتهی او به عنوان یک مورخ غیر حرفه‌ای فقط به ثبت و ضبط آنها پرداخته است. این تعارض بیرونی سنت و نوگرایی که به صورت تفکیک جغرافیایی شهر و صحرا در آمده بود، تا پایان بوشهر عصر قاجاری به صورت یک تعارض درونی در آمد. اما تا رسیدن بدان مرحله، لازم است بوشهر و نواحی پیرامون آن، از ساحل تا داخل را به‌عنوان مرز تعارض دو پدیده ملی استقلال و استعمار مورد بررسی قرار دهیم.

آنچه تا این جا با عنوان اقتصاد جهانی مورد اشاره قرار گرفت، برای قرن نوزدهم که مقارن با عصر قاجاریه در تاریخ بوشهر است، چیزی جز امپراتوری مستعمراتی بریتانیا و به دنبال آن دیگر دولت‌های استعمارگر غربی نبود. بریتانیا به دلیل در اختیار داشتن هندوستان و به‌طور کلی حوزه اقیانوس هند، در خلیج فارس نیز حضور داشت. در خلیج فارس نیز

۱. منظور منسوجاتی که در کارخانه‌های اروپایی و به خصوص بریتانیا تولید می‌شد و از خصوصیات بارز آن رنگ‌آمیزی پس از بافت بود. لذا چون بیشتر آنها از منجستر و توسط دیوید ساسون به بوشهر رسید، بدان چاپ منجستر هم می‌گفتند.

بوشهر مهمترین بندر محسوب می شد و به واقع در مقیاس جهانی در این منطقه ظاهر می گردید. لذا سر و کار یافتن بریتانیا با بوشهر و این نکته که بوشهر در کانون مناسبات ایران و بریتانیا قرار گیرد امری طبیعی بود. اما به رغم این نکته که حجم اصلی تجارت ایران و هند بریتانیا از طریق بوشهر بود و نیز بریتانیا بوشهر را به عنوان مرکز سرکنسولگری خود در خلیج فارس برگزیده بود^۱، مهمترین کانون های جغرافیایی اختلافات ایران و بریتانیا در مرزهای شرقی و شمالی کشور قرار داشت. زیرا از یک سو تهاجمات روس های تزاری مرزهای ایران را تهدید می کرد و از سوی دیگر افغانستان را برای حکمرانان انگلیسی هند حساس تر می ساخت. تداوم چنین شرایطی به تصادم منافع ایران و بریتانیا در مسئله هرات منجر شد.

با توجه به برتری دریایی بریتانیا، ساده ترین و مؤثرترین راه اعمال فشار بر دولت قاجاریه از طریق خلیج فارس و بالطبع مهم ترین بندر ایران یعنی بوشهر بود. بدین جهت در دو نوبت کشمکش بر سر هرات، قوای نظامی بریتانیا بوشهر را اشغال کرد. در حالی که دولت مرکزی نیروی نظامی مؤثری برای مقابله با چنین شرایطی در بوشهر نداشت، این نیروهای محلی اطراف بوشهر بودند که سد راه مهاجمان می شدند. هرچند این لشکرکشی ها به عنوان وقایعی سیاسی نظامی سرانجام پایان یافتند، اما برای محققى که از زاویه مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به وقایع می نگرد، تأثیرات پایداری قابل مشاهده هستند. بدین معنی که تعارض دو جامعه سنتی و مدرن بر اساس اقتصاد جهانی فعال در بوشهر در این جا با تناقضی شگفت انگیز مواجه شد.

اشغال بوشهر در سالهای ۱۸۵۶ و ۱۹۱۵ م هرچند دلایل سیاسی خاص خود را داشت اما به دور از انگیزه های اقتصادی نبود. پدیده اشغال بیش و پیش از هر چیز تجار بندر بوشهر که بیشترین ارتباط را با تجارت جهانی داشتند، دچار مشکل می ساخت. از آن جا که شرایط

۱. دولت بریتانیا برای امور دیپلماتیک خود در ایران در عمل چنین مقرر کرده بود که نیمه شمالی را سفارت مستقر در تهران و نیمه جنوبی را سرکنسولگری مستقر در بوشهر هدایت می کرد. سفارت زیر نظر وزارت خارجه بود. و سرکنسولگری بوشهر زیر نظر فرمانروای هندوستان عمل می کرد. سرکنسولگری بوشهر علاوه بر جنوب ایران، سراسر خلیج فارس را هم در حوزه مسؤولیت خود داشت. نیز در بوشهر یک نایب کنسولگری، در شیراز، اهواز، بندرعباس... سرکنسولگری در سبزآباد (بوشهر) قرار داشت.

محاصره و ناامنی بالذات با تجارت مغایرت داشت، این جامعه تجاری نوگرای مرتبط با اقتصاد جهانی، انگیزه‌های ملی قوی در تعارض با بیگانه به دست آورد. و در این راه خود را با خان‌هایی همراه دیدند که به عنوان مظاهر سنت‌گرایی و بیگانه با شرایط جدید جهانی قلمداد می‌شدند. این خود نوعی دوگانگی در درون طبقه تاجر به وجود می‌آورد. پیچیدگی این امر آن‌جا بود که بریتانیا در قبال مشروطیت ایران که آن را می‌توان مهمترین تحول جامعه ایرانی دوره قاجاریه دانست، سیاستی واحد نداشت. در تهران، بریتانیا موافق با مشروطیت دیده می‌شد در حالی که در جنوب ایران و از جمله بوشهر با مشروطه‌خواهان رودرو می‌گردید. لذا بخشی از تجار ایرانی به این امید که رقبای بریتانیا را به کمک بخوانند، روی به آلمان آوردند.

اما پر واضح بود که در سالهای جنگ جهانی اول، هیچ دولتی قدرت رقابت با بریتانیا در خلیج فارس را نداشت. لذا سیاستمداران و نیز تجار ایرانی میان دوری و دوستی بریتانیا سرگردان بودند. مشکل دیگر این طبقه تاجر این بود که به دولت قاجاریه اعتمادی نداشتند. دولت قاجاریه حتی پس از اعلام مشروطیت نیز به آسانی به قانون و عدالت، که می‌توانست موجب اطمینان و آرامش تجار باشد تن نمی‌داد. در عمل چنان شده بود که تجار برای امنیت خویش در مسیر راه شاهی متکی به خانهای سنت‌گرا و در بوشهر مرتبط با اقتصاد صنعتی بریتانیا بودند. در چنین شرایطی مواضع روشنفکران و روحانیون محلی نیز واجد اهمیت بود. روحانیون محلی که با تجار و بازار ارتباط داشتند از منظر سنت‌گرایی با حکام و جوامع سنت‌گرای جنوب نزدیک بودند. اما ارتباط با آن بخش از اقتصاد جهانی که نتایج فرهنگی داشت را نمی‌پسندیدند. به همین نحو روشنفکران نیز در نوگرایی خود نظر به خارج داشتند در حالی که از منظر تمایلات ملی جوامع سنت‌گرای مسیر جاده شاهی را به دیده تحسین می‌نگریستند.

به موازات چنین تحولاتی، خاندان ابومهری از عرصه حکمرانی بوشهر حذف شدند و ترتیبات جدید اداری با عنوان «حکمرانی بنادر» جای آن را گرفت. حوزه اداری بوشهر در این تحول وسعت و قدرت بیشتری یافت. به طور رسمی بنادر چابهار، لنگه، جاسک و بندرعباس یعنی بنادر قابل توجه ایران و در عمل، تمامی سواحل و جزایر جنوبی ایران تحت

امر بوشهر قرار گرفت. دولت قاجاریه خواسته یا ناخواسته با عمل به این قاعده معمول تاریخ ایران که امور تجاری را در یک‌بندر منحصر و متمرکز می‌ساختند، به بوشهر توجه نشان می‌داد. اما با همه این احوال ترتیبات اداری و مالیاتی بوشهر میان دولت مرکزی، شاه‌زاده‌نشین شیراز و حکمران بنادر دچار پیچیدگی و ابهامات بیشتر گردید. اکنون اداره بوشهر بدون ملاحظه اوضاع فارس، خواست‌های خان‌نشین‌های پیرامون آن و سرانجام حضور پر رنگ دولت‌های خارجی دارای کنسولگری در بوشهر غیر ممکن بود. هرآن‌کس که مقام حکمرانی بنادر را داشت، بدون ملاحظه این عوامل قادر به پیشبرد امور نبود. در این میان آن‌چه که نمی‌بایست فراموش می‌شد اما شد، طبقه تجار بندری بود. در شرایط تعارض و ناامنی، تجارت بیشتر متکی به اسلحه می‌شد که در پی آن تجارت اسلحه هم افزایش می‌یافت. تجارت اسلحه هرچند برای تجار سود داشت اما این اسلحه در قدم اول در دست کسانی که در اطراف بوشهر یا در مسیر جاده شاهی مستقر بودند ایجاد قدرت می‌کرد. آیا این قدرت در همه‌حال به سود تجار بود پاسخ بدین سؤال در هر زمانی متفاوت بود. قاجاق و از جمله قاجاق اسلحه که محمدحسین سعادت مباحثی از تاریخ بوشهر را بدان اختصاص داده است، از آن‌رو که خوانین مسلح جنوب را مبدل به تجاری مستقل می‌کرد برای تجار بندری مفید نمی‌نمود.

اما از دیدگاه تجار یک واقعیت تلخ‌تر هم وجود داشت و آن این‌که، حضور نیروی دریایی هند بریتانیا در خلیج فارس و بعضی از نقاط ساحلی و آن‌هم در شرایطی که گمرک، تلگراف‌خانه و بانک را در اختیار داشتند به معنای مداخله مؤثر به نفع تجارت دوستانشان بود. تجارت‌خانه‌های مرتبط با هند بریتانیا اعم از ایرانی و انگلیسی به‌دور و مبرا از شائبه بهره‌گیری از حمایت‌هایی که حاصل سوء استفاده از مقام و موقعیت قانونی مراکز دیپلماتیک بود دانسته نمی‌شدند. آشکارتر این‌که به‌رغم سخت‌گیری در امور گمرکی و مبارزه با قاجاق، نیروی دریایی هند بریتانیا فعالیت‌های تجاری غیر قانونی دوستان ساحلی خود را نادیده می‌گرفت.^۱ چنین شرایطی برای همه تجار ایرانی و آن‌دسته از خان‌هایی که به فعالیت‌های

۱. از جمله می‌توان به فعالیت‌های تجاری خوانین بندر ریگ، انگالی angali و لیراوی Liravi اشاره کرد که ضمن معانعت از استقرار گمرک، به تخلیه کالا در سواحل خویش دست می‌زدند و با اعتراضی رویه رو نمی‌شدند. اما چنین فعالیت‌هایی در سواحل تنگستان که جزو حکومت بنادر (بوشهر) نبود، تحمل نمی‌شد.

تجاری نیز می‌پرداختند وضع پیچیده‌ای به وجود آورده بود و آن‌ها را به فعالیت‌های متفاوتی در عرصه سیاست می‌کشاند. عرصه‌ای که گاه ستیز با استبداد و گاه همراهی با آن یا در نگاهی دیگر، گاه در تعارض با بیگانه و گاه در تبعیت از آن بروز و ظهور می‌یافت. چنین شرایطی به صورت وقایع‌نگاری و در اصل به صورتی نهفته در تاریخ بوشهر سعادت قابل شناسایی است.^۱

شاید گفته شود که چنین شیوه بررسی از اوضاع سیاسی و تجاری سواحل فارس با کارآمد ساختن عوامل متعدد و گاه متناقض با یکدیگر که در مجموع تحلیل پیچیده و چند لایه‌ای را عرضه می‌کند، در مقدمه تصحیح کتاب تاریخ بوشهر چه جایگاهی دارد؟ نگارنده در نظر دارد این واقعیت را یادآور شود که مدرسه کوچک سعادت در آغاز قرن بیستم چگونه محل تلاقی رویکردهای متعارض سیاسی تجاری و بعدها اجتماعی و فرهنگی سواحل خلیج فارس گردید. چنان‌که پیش از این گفتم، کتاب تاریخ بوشهر به یک معنا تاریخچه مدرسه سعادت است. لازم است بدین نکته اساسی توجه داشته باشیم که مهمترین حاصل عمر برادران سعادت، تأسیس مدرسه سعادت مظفری در بوشهر (۱۳۱۷ق) بود. این مدرسه در نتیجه سالها تلاش توأم با تحمل مشقت و مرارت برادران سعادت و همراهانشان پا گرفت. آنها بهترین سالهای عمر خود را صرف تحقق اندیشه و آرمانی کردند که کلیه ملیون و آزادی‌خواهان عصر مشروطه در آن مشارکت داشتند. اما در گرمای طاقت‌فرسای بوشهر و بدون امکانات و حمایت‌های کامل و کافی، به واقع شیخ محمدحسین و برادرش مبارزه‌ای را پرچم‌داری می‌کردند که هرچند ظاهر علمی و آموزشی داشت، اما در نهان گرفتار پیچیدگی‌های سیاسی و تجاری شده بود.

مدرسه سعادت با مساعدت حکمران بوشهر، موافقت دولت قاجار، همراهی تجار، همکاری گمرک و بانک شاهی و همدلی جمعی از فرهنگ‌دوستان و ترقی‌خواهان شکل گرفت. هر کدام از موارد فوق، تفکر و انتظارات سیاسی و اقتصادی خاصی را نمایندگی می‌کردند. به همین جهت برای یک دوره هرچند کوتاه، مدرسه سعادت و هیأت مؤسس و

۱. در سالهای جنگ جهانی اول، خوانین چاه کوتاه و تنگستان به جانب آلمان متمایل شدند. خان‌های انگالی و بندر ریگ جانب انگلستان را گرفتند. بعضی نیز موضعی بی‌طرفانه یا مستقل اتخاذ کردند.

مدیران آن در عمل، قانونی از تجمع خواست‌های گوناگون جامعه بندر بوشهر شده بود. شاید چنین تصور شود که بدون همراهی چنین مراکزی امر تأسیس و سپس تداوم و توسعه آن امکان‌پذیر نبود. این سخنی مطابق با واقع است اما در پیمودن راهی که مدرسه سعادت در پیش گرفته بود، هماهنگی میان چنین عواملی که هر یک خواسته‌هایی متعارض با دیگری را در نظر داشتند بر پیچیدگی کار و مشکلات تصمیم‌گیری و اجرا می‌افزود. در واقع چنین بال‌های طلایی در گذرگاه‌های سخت، مبدل به بارهای سنگینی می‌شدند.

حکمرانی بنادر، خود در عمل، عرصه برقراری تعادل ناپایداری میان خواست‌های دولت مرکزی و مداخلات هند بریتانیا بود. گمرک بوشهر نیز چنین وضعی داشت. بانک شاهی و تلگراف‌خانه (انگلیسی) معمولاً گرایش‌های مشخص‌تری به سوی خارجه داشتند. تجاری که قدم به مساعدت با مدرسه پیش گذاشته بودند، هرچند آبروی طبقه تاجر بندری را حفظ کردند، اما با این واقعیت تلخ و سرد نیز مواجه بودند که تمامی تاجران با چنین اندیشه‌ای همراهی نداشتند. این در حالی بود که همه فواید و نتایج فعالیت مدرسه سعادت بوشهر، تربیت کارمندانی برای ادارات دولتی و مراکز تجاری بود. این کار، نظام میرزابنویسی سابق را کنار می‌گذاشت و با بهره‌گیری از ریاضیات و علوم جدید و نیز زبان انگلیسی امکان می‌داد که تجار ایرانی با آگاهی بهتری در امر تجارت خارجی عمل نمایند.

اما این امر مطلوب کسانی که انحصار اطلاعات تجاری و شیوه مدرن محاسبات مالی را در اختیار داشتند نبود. حتی برای بعضی از تجار، این شیوه به معنای به روشنایی کشاندن فعالیت‌هایشان بود. لذا برادران سعادت با کمال شگفتی با مقاومتی مواجه می‌شدند که انتظار آن را از جانب بعضی از تجار و دیوان‌سالاران نداشتند. به عنوان مثال آموزش زبان انگلیسی با چنین مشکلی مواجه بود. با وجود عده‌ای کارمند انگلیسی‌دان و نیز آشنا به محاسبات گمرکی و دیوانی، علی‌القاعده تجارت قانونی‌تر، منطقی‌تر و روان‌تر می‌شد. هرچند در همان حال برای کسانی انحصار قدیمی چنین فنون و دسترسی‌هایی در خطر می‌افتاد، اما شگفت‌تر آن‌که برادران سعادت چنین مقاومتی را ناگهان از جانب کسانی می‌دیدند که انتظار آن را نداشتند. لذا مجبور به استفسار از علمای اعلام شدند که آموزش زبان انگلیسی منعی و مشکلی ندارد. مشکلاتی که از پیچیدگی مناسبات سیاسی و تجاری

بوشهر در عرصه مدیریت مدرسه سعادت ظهور و بروز می‌یافت، به نحوی غیر مستقیم به مراکز تجاری و دیپلماتیک خارجی مستقر در بوشهر نیز مربوط می‌شد. صرف نظر از اهرم‌هایی چون گمرک، بانک و تلگراف‌خانه، این واقعیت در مناسبات سیاسی و تجاری بوشهر وجود داشت که صاحبان قدرت در بوشهر چه‌گونه در قبال مدرسه و بالطبع اقدامات و اندیشه‌های مدیریت سعادت واکنش نشان دهند.

برای تجاری که بخش اعظم سرمایه آنها در تجارت خارجی یا به‌طور کلی در خارج بود و به اتکای وکلای تجاریشان در خارج، فعالیت می‌کردند، حتی برخورد سرد مراکز مرتبط با تجارت خارجی از جمله بالیوزخانه به معنای «عاقل را یک اشاره کافی ست» می‌نمود. نکته دیگر این‌که تا مدت‌ها اطفال جوامع سنت‌گرای نواحی داخلی فرصت حضور در مدرسه را نمی‌یافتند. آنها نه به دلیل پای‌بندی به سنت‌ها بل‌که به دلیل ترس از عوامل دیوانی مرتبط با امور مالیاتی و انتظامی حوزه قدرتشان دچار مشکل شده بودند و نمی‌توانستند فرزندانشان را به مدرسه سعادت بفرستند. این مشکل نیز با مداخله مستقیم شاه قاجار برای مدرسه کوچک سعادت که فقط می‌خواست به اطفال آموزش دهد حل شد. به سادگی می‌توان پیچیدگی‌ها و مشکلات کار یک مدرسه کوچک چون تأمین دادن به اطفال خوانین، مجاز بودن آموزش زبان انگلیسی و کسب موافقت با تأسیس مدرسه و تدریس را از شاه یا علما درک کرد.

این همه شرایطی بود که شیخ محمدحسین و برادرش در متن آن به سر می‌بردند. مشکل تأمین منابع مالی برای مدرسه نیز به‌طور مستقیم با مناسبات سیاسی تجاری مراکز بازرگانی و اداری ارتباط می‌یافت. امری که بسیار شکننده، سدکننده و مشکل‌آفرین بود. برای کسانی که امروزه این مباحث را پی‌گیری می‌کنند شاید بسیار دور از ذهن بنماید که چگونه معلمان و مدیران مدرسه سعادت با عسرت و محرومیت و فقط به اتکای اندیشه‌های انسانی، ملی، ترقی‌خواهانه و خدایسندانه به فعالیت خود ادامه داده‌اند. یکی از همین افراد نیز نویسنده کتاب تاریخ بوشهر (محمدحسین سعادت) است. لذا در کتاب او می‌توان مباحث مربوط به چنین تعارضاتی را دید و پی‌گیری کرد؛ تعارضی که به عقیده نگارنده در اصل از شرایط بوشهر عصر قاجاری نشأت می‌گرفت.

این تعارض از یک سو میان تجارت و روابط جهانی فعال در بوشهر با اندیشه و عمل دولت قاجار بود، که تعادلی ناپایدار و شرایطی شکننده را پدید می‌آورد و به صورت وقایع سیاسی و نظامی تاریخ بوشهر در قرن نوزدهم تا جنگ جهانی اول خود را نشان داد. از سوی دیگر، تداوم شیوه حفاظت از راههای تجاری به وسیله نیروهای محلی و قبایلی و در همان حال حفظ نظام «بندر واحد» که دولت قاجاریه بر آن صحنه می‌گذاشت با شرایط جدید حمل و نقل در جهان آن روز سازگاری نداشت. لذا آن چه که می‌توانست به عنوان ابزار قدرت ملی و مزیت اقتصادی مطرح گردد، مبدل به نقطه ضعف سیاسی، نظامی و اقتصادی کشور می‌گردید.

این تعارض در بوشهر عصر قاجار، یک گام دیگر نیز به سوی نمایش کامل خود برداشت و آن چنان که پیش از این اشاره کردم درونی شدن چنین تعارضی بود. مدرسه سعادت و کوشندگان آن چون محمدحسین سعادت، آغازگر یک دوره تحول اجتماعی در جنوب ایران بودند. تحصیل‌کردگانی که از اقشار پایین جامعه فرصت می‌یافتند در پرتو کسب کمالات به مدارج بالاتر صعود کنند، بعدها جمعیت اصلی قشر متوسط جدید آن نواحی را شکل دادند. هرچند این تحولی عمومی در ایران پس از مشروطه بود و به درستی نیز در صدد رقابت با تحصیل‌کردگان سنتی برنیامد، اما برای بوشهر با شرایط خاصی مواجه شد. زیرا وضعیت خاص لنگرگاه و بندرگاه بوشهر چنان بود که جمعیت قابل توجهی از کارگران بندری را طلب می‌کرد. در حالی که بندرگاه بوشهر امکان پهلویی کشتی‌های بزرگ را نداشت، در پرتو رشد صنعت روزبه‌روز بر تعداد چنین کشتی‌هایی افزوده می‌شد. لذا جمع کثیری کارگر بایستی بارها را از کشتی‌های بزرگ در لنگرگاه بیرونی به کشتی‌های کوچکتر منتقل می‌کردند و به همین نحو نیز در گمرک تخلیه می‌نمودند. چنین کارگران بندری کم‌کم به صورت یک نیروی مؤثر سیاسی و اجتماعی در جامعه بوشهر در آمدند. هرچند وجود یک مقام خاص و جالب توجه موسوم به «حمال‌باشی» امکان می‌داد تا امور انتظامی و نرخ‌گذاری فعالیت کارگران بندری سامان یابد و نیز حضور پر قدرت کلانتر بوشهر موجب می‌شد مشکلی پدید نیاید، اما در مواقع تنش‌های شهری کار پیچیده و مشکل می‌شد.

محلات و مساجد بوشهر که بیشتر حول تجار بزرگ با حلقه‌ای از تجار کوچکتر و سپس

اقتضای اجتماعی پایین‌تر وابسته به آنها سازماندهی اجتماعی می‌شد، گاه بر پیچیدگی این مناسبات می‌افزود. چنان‌که در مراسم روز عاشورا پیچیدگی‌های چنین، شیوه شکل‌گیری جامعه شهری خود را تا حدودی نشان می‌داد. در حالی که تجار هر چه بیشتر با مسأله امنیت حمل و نقل کالاهایشان از کشتی به ساحل و سپس از گمرک بوشهر به شیراز در مسیر جاده شاهی درگیر بودند، روابط آنها با حمال‌باشی، کارگران بندری، مکاری‌ها و خان‌های مسیر راه از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار می‌شد. روحانیون محلی در بوشهر و نواحی اطراف آن نیز بر اساس مناسبات یک جامعه سنتی با خان‌های اطراف، کارگران بندری و نیز طیفی از بازرگانان و بازاریان ارتباط داشتند.

این امر را نیز نباید از نظر دور داشت که روستاهای حومه بوشهر (در شبه‌جزیره بوشهر)، برای مدت کوتاهی تأمین‌کننده کارگران بندری بودند. اما با رشد مراکز شهری و توسعه فعالیت‌های ساختمانی که مجموعه عظیم و باشکوهی از معماری بوشهر را پدید آورد، بسیاری از مردمان روستاهای شبه‌جزیره بوشهر، جذب فعالیت‌های خدماتی یا ساختمانی شدند. ماهی‌گیری، حمل آب، نجاری و اموری از این قبیل جمعیت قابل توجهی را به خود جلب کرد. رشد ثروت و رفاه حاصل از توسعه و ترقی تجارت با استقرار اتباع خارجی از عوامل اصلی این تحول جمعیتی و اقتصادی بود. لذا جذب کارگران بندری مورد نیاز به نواحی پیوسته با شبه‌جزیره بوشهر کشیده شد. به همین جهت از تنگستان و دشتی عده زیادی کارگر جذب فعالیت‌های اقتصادی بندری شدند. در مجموع رشد کارگران بندری همراه با تداوم پیوندهای مذهبی سنتی آنها با روحانیون داخل و خارج بوشهر بود. طیف‌هایی از بازاریان نیز به این مناسبات افزوده می‌شدند، به همین جهت به طرف اواخر عصر بوشهر قاجاری نوعی دوگانگی اجتماعی و فرهنگی در جامعه شهری شکل گرفت. با توجه به فشار ناشی از رشد روزافزون جمعیت طبقات پایین شهری و نیز مشکلاتی که مدرسه سعادت مدام با آن مواجه می‌شد، سرانجام تا سقوط قاجاریه اندیشه نوگرایی که مدرسه سعادت آن را نمایندگی می‌کرد از نفس افتاد.

با ورود بوشهر به مرحله‌ای دیگر از تاریخ خود که همان «بوشهر عصر پهلوی» است افق‌های اقتصادی بوشهر تیره گردید که بحث درباره آن دیگر موضوع این نوشته نمی‌تواند

باشد. لذا دوگانگی و تعارض اجتماعی و فرهنگی بوشهر قاجاری همراه با مهاجرت طبقات نوگرا، بالا و تحصیل کرده و غلبه سنت‌گرایی بود. تألم و نگرانی توأم با حسرت از آنچه که می‌توانست باشد و نبود را می‌توان در پرتو چنین شرایطی از کتاب تاریخ بوشهر سعادت دریافت.

زندگی و آثار مؤلف کتاب تاریخ بوشهر

چنان‌که گفته شد مؤلف کتاب تاریخ بوشهر، مرحوم شیخ محمدحسین سعادت کازرونی است که می‌توان وی را از مفاخر درجه اول فرهنگ معاصر ایران به شمار آورد. او در سال ۱۲۸۲ق در نجف به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۴ق / ۱۳۱۴ش در شیراز رخ در نقاب خاک کشید. ایشان برادر کوچکتری به نام شیخ عبدالکریم دارند که در سال ۱۲۹۷ق به دنیا آمد و در سال ۱۳۳۷ش در شیراز درگذشت. پیش از آن‌که به شرح احوال شیخ محمدحسین و خاندانش بپردازم لازم است به همراهی و همکاری این دو برادر دانشمند اشاره نمایم.

مرحومان شیخ محمدحسین و شیخ عبدالکریم از بنیان‌گذاران مدرسه سعادت بوشهر بودند و سالهای متمادی دوش به دوش یکدیگر آن مدرسه پرافتخار را اداره کردند. اگرچه معلمان دیگری نیز با آنان همکاری داشتند و از جانب جمعی از معارف بوشهر نیز با آنان در امور مختلف مدرسه معاضدت می‌شد اما نمی‌توان نقش بی‌نظیر و بی‌بدیل برادران سعادت را در شکل‌گیری و توسعه و ترقی آن مدرسه که نامی بلند در تاریخ علمی و فرهنگی ایران و بل‌که سراسر حوزه خلیج فارس دارد از نظر دور داشت. از آن‌جا که این مدرسه «سعادت مظفری» نام داشت و با توجه به نقش مهم و تأثیرگذار آقایان شیخ محمدحسین و شیخ عبدالکریم، آنان به «سعادت» نامبردار شدند. چنان‌که آن دو را «سعادتین» مخاطب می‌ساختند. مرحوم شیخ محمدحسین خود در ابتدای همین کتاب می‌نویسد که معروف به «سعادت» است (ص ۴). پس از آن و ظاهراً، با شروع اختیار نمودن نام خانوادگی در ایران، آنها همین نام زیبا، معنادار و پرافتخار را برگزیده‌اند.

در بعضی از احکام و اخبار مربوط به آنها تا پیش از اشتهار به «سعادت» نسبت‌های «کازرونی» و «شبانکاره‌ای» برایشان به کار رفته است؛ که به دلیل انتساب به کازرون و نیز

پیوند با منطقه شبانکاره در دشتستان بوده است. اما در اصل و به طور کلی این دو برادر و نیز فرزندان و نوادگانشان همگی نام «سعادت» یافته‌اند که در شیراز و دیگر جاها مردمانی معروف و محترم نزد همگان هستند.

در سراسر کتاب تاریخ بوشهر به خوبی می‌توان علاوه بر جهات گوناگون تاریخ بوشهر به اندیشه‌های مرحوم محمدحسین سعادت نیز پی برد. برای بحث و بررسی درباره این مقوله در ابتدا، شرح مختصری از زندگانی ایشان ارائه می‌گردد. نظر به این که تحقیق ارزنده‌ای توسط آقای علی حق شناس در این باره صورت گرفته، گزیده‌ای از نوشته ایشان از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد.

«شادروان شیخ محمدحسین سعادت به سال ۱۲۸۲ق در نجف اشرف متولد شده است. پدر ایشان مرحوم شیخ محمدعلی مجتهد است که خود نیز فرزند مرحوم حاج شیخ عبدالکریم مجتهد می‌باشند که در عنفوان جوانی برای تحصیل علوم به نجف اشرف رفته و در خاتمه تحصیلات، حائز مقامات عالیه و مورد اعتماد و توجه شیخ مرتضی انصاری (قدس سرّه) شده‌اند؛ چنان که درباره وی از حیث زهد و تقوا، سلمان زمان و ابوذر دوران مرقوم می‌فرمودند. به هر حال جدّ بزرگوارشان فرزند مولی حسن واعظ می‌باشند که او نیز فرزند شیخ عبدالعلی شبانکاره‌ای هستند که مرحوم شیخ عبدالعلی با خانواده‌اش از شبانکاره به بوشهر آمده و آن جا متوطن شده‌اند. مرحوم شیخ عبدالعلی نیز فرزند عالی شاه و او همچنین فرزند نجم‌الدین و وی نیز فرزند قطب‌الدین بوده‌اند.^۱ مرحوم محمدحسین رکن‌زاده آدمیت در کتاب ارزشمند دانشمندان و سخن‌سرایان فارس از مرحوم شیخ محمدحسین به عنوان استاد بزرگوار خود یاد کرده و از پدرشان مرحوم شیخ محمدعلی ذکر کرده‌اند که از بوشهر به کازرون رفته و مدت بیست و دو سال در آن شهر به تدریس علوم دینی و ترویج شرع انور پرداخته و به تربیت علمای آن منطقه همت گماشته‌اند»^۲.

مرحوم شیخ محمدحسین سعادت پس از گذراندن دوره‌های مقدماتی با عنوان طلبه در

۱. نقل از شجره سلسله خاندان سعادت تنظیم شده به وسیله مرحوم ابوالقاسم سعادت، داماد، و همشیرزاده

مرحوم شیخ محمدحسین سعادت.

۲. رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۳، ص ۹۵.

محضر علمای بزرگوار آن روزگار نجف اشرف به خوشه چینی علمی می‌پردازند که از جمله می‌توان به مرحوم میرزای شیرازی اشاره نمود.^۱ مرحوم شیخ محمدحسین پس از انجام تحصیلات در نجف، عازم شیراز شده و در مدرسه مجاور بقعه حضرت سید میرمحمد به تکمیل معلومات پرداخته و به تدریس مشغول می‌گردد.

این روحانی بزرگوار در سال ۱۳۱۶ق با عزیمت به تهران به تدریس در دارالمعلمین و نیز در مدرسه افتتاحیه تهران که توسط برخی اصلاح‌طلبان و با همکاری جمعی از فضلاء علوم دینی اداره می‌شد به امر تدریس می‌پردازند. در این که آیا آن مرحوم در دارالفنون نیز تدریس داشته‌اند، اسناد موثقی در دست نیست و لیکن مرحوم سید ابوالقاسم سعادت^۲ داماد و همشیره‌زاده ایشان تصریح نموده‌اند که شیخ محمدحسین در دارالفنون نیز به تدریس الهیات به‌ویژه اسفار اربعه صدرالمآلهین و نیز ادبیات عربی پرداخته‌اند.

به هرحال در آن روزگاران و در هنگامه احساس نیاز همخوانی علوم قدیم و جدید و با ایجاد تحولات اجتماعی و فرهنگی و به‌ویژه با مشاهده آثار علمی دارالفنون که قریب به ۵۰ سال پیش از آن تأسیس شده بود، اندیشه تأسیس مدارس به شیوه جدید که بتواند از طرفی نونهالان و نوجوانان را با علوم و فنون جدید مغرب‌زمین آشنا سازد و از طرف دیگر بتواند مبانی اعتقادی و ارزشی آنان را حفظ و گسترش دهد، در جان و دل بسیاری از مردم ما موج می‌زد و این جاست که برخی از معارف آن دوران بوشهر، مقدم بر غالب مناطق کشور، این ضرورت و این احساس نیاز را با مرحوم احمدخان دریابیگی، حکمران بوشهر که خود فارغ‌التحصیل رشته‌های مهندسی و نظامی دارالفنون بود در میان می‌نهند.

با انعکاس این نیاز و این احساس توسط دریابیگی به تهران بود که جعفرقلی‌خان

۱. با استفاده از نامه آقای منوچهر سعادت، نوه ارشد مرحوم شیخ محمدحسین سعادت.

۲. مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم سعادت همسر مرحوم حاجیه عصمت سعادت دختر مرحوم شیخ محمد حسین و همشیره‌زاده ایشان می‌باشند. مشارالیه خود از اولین دانش‌آموزان مدرسه سعادت می‌باشد که بعدها در همان مدرسه به تدریس مشغول شد. نامبرده در سال ۱۳۰۳ ش به سمت معلمی در بوشهر استخدام گردید. این جانب دوبار این معمر ۹۲ ساله خاندان سعادت را در شیراز به سال ۱۳۷۵ یعنی سالی پیش از درگذشت آن مرحوم ملاقات و از خاطرات و اطلاعات آن مرحوم بهره گرفته‌ام. خدایش غریق رحمت کناد. (همه پانویس‌ها از آقای علی حق‌شناس است.)

نیرالملک، وزیر علوم عصر مظفری، هیچ‌کس را مناسب‌تر از شیخ محمدحسین که خود از اهالی منطقه و واجد همه شرایط علمی و اداری بود، نمی‌یابد. شیخ کرسی پراعتبار درس در مدرسه افتتاحیه تهران و دیگر مناصب را رها می‌کند و به قصد ادای دین به همشهریان بوشهری خود به شیراز می‌آید. ایشان پس از گفتگو با برادر خود مرحوم شیخ عبدالکریم و در معیت او به بوشهر می‌آید و مدرسه مبارکه سعادت را در سال ۱۳۱۷ق تأسیس می‌نماید. آن‌چه در این‌جا قابل ذکر است، درایت و استقامت و متانت شگفت‌انگیز شیخ محمدحسین و کیاست و شهامت مرحوم شیخ عبدالکریم در نظامات مدرسه است. این بزرگواران در یک قرن پیش و بدون داشتن الگوهای آموزشی و با داشتن حداقل امکانات آن روزگاران و علاوه بر آن با وجود کارشکنی‌های حاسدان و جاهلان آن سالها، موفق شدند با همکاری تعدادی معدود از بزرگان علمی به تأسیس و تداوم مدرسه‌ای با شیوه جدید دست بزنند. مدرسه‌ای که دهها سال بر تارک فرهنگ بنادر و جزایر خلیج فارس می‌درخشید و فارغ التحصیلان آن بعدها از مصادر علمی و اداری منطقه و سایر مناطق ایران‌زمین شدند. شیخ محمدحسین سال‌ها و با افتخار به مدیریت و معلمی مدرسه سعادت ادامه دادند. در سال ۱۳۴۲ق مشارالیه از طرف اهالی لارستان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب و پس از پایان دوره نمایندگی به شیراز مراجعت و در سال ۱۳۴۶ق به سمت مدیریت مدرسه شعاة شیراز تعیین گردیدند. سپس در سال ۱۳۴۹ق با داشتن سمت ریاست اداره تحقیق اوقاف به دبیری دبیرستانهای شیراز منصوب شدند و در سال ۱۳۵۲ق برابر ۱۳۱۲ش به کفالت فرهنگ فارس انتخاب می‌گردند.^۱ مرحوم شیخ محمدحسین علی‌رغم این که یک دست خود را به دلیل بیماری و در یک عمل جراحی از دست می‌دهد، مع‌هذا در سال‌های مدیریت مدرسه سعادت بوشهر و بعدها مدیریت مدرسه شعاة شیراز با کمال شادابی و پویایی به عنوان مدیر و معلمی اصلح به خدمات صادقانه فرهنگی خود اشتغال داشته‌اند. تألیفات و آثار مکتوب این روحانی فاضل را می‌توان به شرح ذیل معرفی نمود:

۱. کتاب اخلاق

۲. کتاب منطق

۱. با استفاده از یادداشت‌های آقای منوچهر سعادت نوه ارشد مرحوم شیخ محمد حسین.

۳. تاریخ بحرین و خلیج فارس

۴. تاریخ مختصر ایران (در بمبئی چاپ شده است)^۱

و بالاخره این مرد متعهد و بزرگوار در شب دوم شوال ۱۳۵۴ق برابر با سوم دی ماه ۱۳۱۴ش و در سن ۷۲ سالگی دعوت حق را لبیک گفته و در حیاط بقعه شاه داعی الله واقع در قبرستان دارالسلام شیراز مدفون گردید. روانش شاد باد و خدایش او را غریق رحمت خود فرماید.^۲» (پایان نقل قول از نوشته آقای حق شناس)

زمان تألیف کتاب

بخش عمده کتاب تاریخ بوشهر سعادت در سال ۱۳۳۴ق. نوشته شده است. چنان که در صفحه ۲۴ نشان می دهد که هنگام تألیف کتاب جنگ جهانی اول در جریان بوده است. نیز در صفحه ۴۶ به رجب سال ۱۳۳۴ و در صفحه ۳۰ به تاریخ اواسط سال ۱۳۳۴ و در صفحه ۱۶۴ عبارت اواخر سنه ۱۳۳۴ق. را به کار می برد.

این همه زمان تألیف کتاب را به دقت نشان می دهد، آن هنگام مرحوم محمدحسین سعادت در شیراز به سر می برده است. وی از سال ۱۳۳۳ق. در پی اشغال بوشهر توسط ارتش بریتانیا به شیراز آمده بود. اما در یکی از صفحات کتاب آن جا که در حال توضیح راجع به وقایع سال ۱۲۷۳ق. که مربوط به اشغال بوشهر است می نویسد که «تا حال تحریر که سنه ۱۳۳۳ است، شصت سال» و نیز جایی دیگر می نویسد «حال تحریر که ذی قعدة ۱۳۳۲ است» (ص ۱۱۹). این امر نشان می دهد که تألیف این کتاب حداقل از سال ۱۳۳۲ق. بر اساس یادداشت های فراهم آمده در هنگام اقامت در بوشهر آغاز شده است. از بخش عمده کتاب تاریخ بوشهر و دیدگاه و قضاوت نویسنده راجع به وقایع نیز می توان دریافت که واقعه اشغال بوشهر در سال ۱۳۳۳ق. تأثیر بسیاری در شکل گیری انگیزه ایشان برای ادامه تألیف و اتمام این کتاب داشته است.

مرحوم محمدحسین سعادت در این کتاب معلومات بسیاری راجع به بوشهر عرضه

۱. رکن زاده آدمیت، همان، ج ۳، ص ۹۵.

۲. حق شناس، علی، «شیخ محمدحسین سعادت»، ص ۴۹، ۵۳.

می‌کند که نشان می‌دهد از قبل و براساس منابع متعدد، تدارک این تألیف را دیده است. اما او در ایام فراغت حضور در شیراز به این امر پرداخت. آن هنگام شیراز عرصه‌ای پر تلاش و تکاپو برای مقابله با بیگانگان بود، اما از این کتاب در مورد نقش خاص ایشان مطلبی به دست نمی‌آید.

تاریخچه تحقیقات درباره بوشهر و اهمیت اثر سعادت

کتاب تاریخ بوشهر سعادت که در سال ۱۳۳۴ق نوشته شده است را می‌توان به دلایلی که در زیر می‌آید، پدیده‌ای استثنایی و جالب توجه دانست. زیرا براساس منابع و مدارک موجود علی‌رغم اهمیت فراوان بوشهر در تاریخ معاصر ایران، نه قبل از مرحوم سعادت و نه تا مدتها پس از وی اثری مستقل و جامع، آن‌چنان‌که سبک و سیاق علمی داشته باشد و مسائل اساسی تاریخ بوشهر را در برگیرد تألیف نشده و یا اگر تألیف شده به دست ما نرسیده است. از این رو تلاش سعادت جای تقدیر فراوان دارد. هرچند این اثر پس از گذشت نزدیک به یک قرن، جای تجدید نظرهای اساسی در مباحث تاریخ بوشهر را دارد، اما در جایگاه خویش و در وسع یک نفر محقق در آن زمان به نوبه خود دربردارنده نگاهی جامع به تاریخ بوشهر محسوب می‌شود. همچنین باید توجه داشت که علی‌رغم قلت منابع و فقدان تحقیقات علمی در باره بوشهر در یک‌صدسال پیش، اثر سعادت دارای جایگاهی ارزشمند است. بدون شک تا آن هنگام که اقدامی جدی و جامع برای تدوین تاریخ بندر بوشهر صورت نگیرد، این اثر ارزش و اعتبار درجه اول خود را حفظ خواهد کرد.

برای ارزشیابی بهتر اثر سعادت در قدم اول تذکر این نکته را لازم می‌دانم که تاکنون درباره تاریخ باستان و سده‌های میانه شبه‌جزیره بوشهر (ریشهر) تحقیق روشنگری صورت نگرفته است. پس از اقدامات باستان‌شناسی اورل اشتاین و موریس پزارد، به واقع تحقیقات میدانی به طور کامل از این جاگامی جلوتر نهاده است. این در حالی است که تحقیقات ایلام‌شناسی در مراکز علمی جهان توسعه و ترقی قابل توجهی را نشان می‌دهد. پس از تحقیقات پزارد که ارمغان آن نام لیان برای شبه‌جزیره بوشهر بود، کاری درخور دیده نمی‌شود. کشفیات مربوط به دوره هخامنشی در اطراف برازجان تا کنون برای تاریخ این

شبه جزیره مورد استفاده قرار نگرفته است. به همین نحو سراسر سده‌های میانه این قسمت از سواحل خلیج فارس در سکوت به سر می‌برد. حتی تحقیقاتی اطمینان‌بخش راجع به وجه تسمیه بوشهر، در دسترس نیست. برای تاریخ بوشهر در سراسر قرن نوزدهم، یعنی نخستین سده از تاریخ جدید این بندر، منابع زندیه و قاجاریه، اخباری پراکنده و از دیدگاهی رسمی را ارائه می‌نمایند. در همین دوره آثاری چون نزهت الاخبار و آثار جعفری نوشته میرزا جعفرخان حقایق‌نگار خورموجی، فارسنامه ناصری نوشته میرزا حسن فسایی و آثار عجم نوشته فرصت الدوله؛ اطلاعاتی هرچند ارزشمند اما در حجمی اندک و بدون تفصیل لازم را در اختیار می‌گذارند. دو اثر مهم یکی سفرنامه یک مهندس ناشناخته دربار قاجاریه و دیگری سفرنامه میرزا ابراهیم نادری کازرونی برای حدود یک قرن و نیم به صورت نسخه‌هایی خطی و دور از دسترس محققان باقی ماندند. انتشار آنها در دو دهه گذشته، مطالب جدیدی را در حیطه دانش اهل تحقیق در مورد بوشهر قرار داده است. آنچه که در منابع قاجاری چون تاریخ منتظم ناصری یا ناسخ التواریخ درباره بوشهر آمده، هم اندک است و هم فقط با نقادی‌های جدی قابل استفاده می‌تواند باشد.

آخرین دست از این نوع آثار را می‌توان ایران در جنگ بزرگ نوشته مورخ الدوله سپهر دانست که پیشرفتی نسبی در امر تاریخ‌نگاری برای بوشهر را نشان می‌دهد. برای تکمیل اطلاعات راجع به تاریخ بوشهر در قرن نوزدهم گنجینه قابل توجهی از اسناد کمپانی هند شرقی انگلیس و پس از آن وزارت هندوستان دولت بریتانیا وجود دارد که در هند و نیز در کشور انگلستان نگه‌داری می‌شود. شماری از تحقیقات جدید اروپائیان درباره بوشهر براساس همین اسناد است. برای دورانی شامل دو تا سه قرن، اسناد پرتغالی، هلندی و فرانسوی و حتی روسی و عثمانی، هنوز برای تاریخ بوشهر به درستی شناسایی نشده‌اند. در این میان تألیفات ویلیام فلور ایران‌شناس هلندی را باید یک استثنا دانست. آنچه که براساس اسناد انگلیسی ارائه شده است نیز کمتر در بردارنده مباحثی مستقل و به دور از علایق غیر علمی است. لذا نمی‌توان در این مورد حتی از کفایت تحقیق هم سخن گفت. نگارنده در مجموعه اسناد آرشیو ملی بریتانیا، اسناد فراوانی مربوط به بوشهر دیده است که تاکنون در تحقیقات تاریخی مورد استفاده قرار نگرفته‌اند.

با آغاز قرن بیستم که همراه با جنبش‌های عظیم سیاسی و فرهنگی بود، انتظار می‌رفت در مورد بوشهر شاهد حجم قابل توجهی از فعالیت‌های تحقیقی و انتشاراتی باشیم. بوشهر در آن زمان همچنان موقعیت بندری ممتاز خود را برای ایران حفظ کرد. دیگر آنچنان نبود که ذیل وقایع مربوط به هرات، در تاریخ‌نگاری ایرانی به بوشهر پرداخته شود. حضور دهها نمایندگی سیاسی و تجاری خارجی در بوشهر، حجم قابل توجه مبادلات بازرگانی داخلی، پیشقدمی در بسیاری از نوآوری‌های تمدنی، زندگی شهری بر رونق و رفاه، توان سیاسی قابل توجه تجار ایرانی ساکن آن و بسیاری مسائل دیگر بوشهر را در یک مقیاس ملی و حتی بین‌المللی قرار می‌داد. خطوط تلگرافی و مواصلاتی و نیز مطبوعات، آن را با نواحی مختلف ایران و جهان مرتبط می‌ساخت. کتاب تاریخ بوشهر سعادت در چنین شرایطی نوشته شد.

دیدگاه ملی و بین‌المللی او را در این کتاب می‌توان دید. تا حدود زیادی تأثیر نوع نگاه مجله‌جل‌المتین چاپ کلکته که از طریق بوشهر به سراسر ایران می‌رفت را نیز می‌توان در آن دید. اما نوشتن کتابی مانند تاریخ بوشهر توسط سعادت به طور طبیعی باید در کنار خود آثار دیگری را هم شاهد بوده باشد. اما چنین آثاری متأسفانه به دست ما نرسیده و شاید وجود هم نداشته است. آن‌چه که در خلال تألیفات مربوط به مشروطه از آن زمان تا بعد نوشته شد نیز جایگاه واقعی بوشهر در آن رویدادها را نشان نداد. در حقیقت تاریخ‌نگاری برای بوشهر آن دوره نیازمند یک دوره کامل تاریخ تجاری بود که تاکنون هم نوشته نشده است. در یک فاصله زمانی بسیار دور و نه چندان اثرگذار کتاب تاریخ اقتصادی ایران نوشته چالر عیسوی با ترجمه دکتر آژند تا حدی به این خواست پاسخ می‌داد، اما به هیچ وجه نیاز واقعی در این باره را مرتفع نساخت. گنج‌شایگان نوشته محمدعلی جمال‌زاده که در فاصله‌ای کوتاه از اثر سعادت نوشته شد نیز تفصیل کافی درباره تاریخ اقتصادی بوشهر را ندارد. کتاب کمتر شناخته شده تلیس ابلیس که مربوط به دوره جنگ جهانی اول است صورت سیاسی شده چنین تحقیقاتی به شمار می‌آید.

مشکل اساسی در این دوره آن بود که یا کمتر اثری به وجود می‌آمد یا آن‌که خیلی دیر در دسترس جامعه علمی قرار می‌گرفت. آثار سدیدالسلطنه که تقریباً هم‌زمان با تاریخ بوشهر

سعادت شکل گرفت، هرچند اخبار و مطالب بسیاری دربارهٔ بوشهر دارد، اما بیش از پنجاه سال طول کشید تا به همت احمد اقتداری در اختیار عموم قرار گیرد. آنچه که سدیدالسلطنه در آثاری چون التدقیق فی سیرالطریق و سرزمین‌های شمالی خلیج فارس نوشته، اکنون جزو منابع دست اول تاریخ بوشهر محسوب می‌شود. این که او به دیگر بنادر نیز توجه نشان داده و حتی اخباری از تهران را که مربوط به سواحل جنوبی کشور بوده ذکر کرده است، مقدمات یک روش علمی از نوع تکننگاری را به‌خوبی ارائه می‌کند. اما هیچ‌کس کار او را تا بیش از نیم قرن بعد ادامه نداد و تکمیل نکرد. هم‌زمان با وی و حتی اندکی قبل از آن، کتاب راهنمای خلیج فارس نوشته لوریمر نوشته شد. این اثر هرچند جمع‌بندی اسناد و گزارش‌هایی مربوط به بوشهر و نواحی مختلف خلیج فارس تا پایان قرن نوزدهم است، اما چون آخرین ویرایش آن به‌وسیلهٔ لوریمر که در روزهای پایانی عمر خود را در بوشهر به سر می‌برد صورت گرفت، بایست آن را از نظر تحقیقی مربوط به بوشهر تلقی کرد. از آن‌جا که بوشهر در آن‌زمان مرکز ادارهٔ خلیج فارس به‌وسیلهٔ سرکنسولگری بریتانیا برای حکومت هند بود، می‌توان از نظر نقد تاریخی این اثر را با بوشهر مرتبط دانست. با این حال مباحث مربوط به بندر بوشهر بخش اندکی از این کتاب پر حجم را تشکیل می‌دهد، سبک کلاسیک این کتاب در تاریخ‌نگاری بعدها به‌وسیلهٔ اروپائیان به شیوه‌های گوناگون مورد بهره‌برداری قرار گرفت. آثار اولسون، ویلسون، کلی، مابریلی و دیگران در همین راستا پدید آمدند. اما حتی تا امروز نیز این کتاب که بی‌نیاز از نقد و بررسی جدی نیست در مجموعهٔ تحقیقات شرقشناسی جایگاه مناسب و متناسب خود را پیدا نکرده است.

آنچه تاکنون گفته شد، از نظر زمانی به جنگ جهانی اول و زمان تألیف کتاب سعادت بازمی‌گشت که باید فقدان تحقیقات موضوعی از خلال مطبوعات آن دوره دربارهٔ بوشهر را هم بدان افزود. پس از آن، بوشهر برای دهه‌های متوالی در انتظار ماند تا یک نهضت تحقیقی جدید برای آن پدید آید. در این مدت بسیاری از اسناد و مدارک تجار و نیز دوایر دولتی در فقدان هرگونه حفاظت و نگه‌داری و بهره‌برداری از میان رفت؛ و در واقع قسمت‌هایی از تاریخ ایران دور از دسترس قرار گرفت. نیز بسیاری از آثار معماری وسیع، پرشکوه و بسیار ارزشمند بندر بوشهر نابود شد. در نتیجه تا آغاز دهه ۱۳۷۰ش بسیاری از مطالب و اسنادی که می‌توانست برای تاریخ بوشهر سودمند باشد، دیگر وجود نداشت.

در فاصله جنگ جهانی اول یعنی تألیف تاریخ بوشهر سعادت تا این زمان، محققانی چون رکن زاده آدمیت با آثاری به نام‌های دلیران تنگستان، فارس و جنگ بین الملل و دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، اسماعیل رائین با اثری چون دربانوردی ایرانیان و علی‌مراد فراشبندی با آثاری چون خاندان تنگستانی، گوشه‌ای از مبارزات مسلحانه مردم جنوب ایران و احمد احرار با کتاب توفان در ایران و اسمعیل نورزاده بوشهری با آثاری چون اسرار نهضت جنوب قسمت‌هایی از تاریخ بندر بوشهر را هم مطرح کرده‌اند. تلاش‌های ادبی چوبیک و رسول پرویزی در این دوره سخنی دیگر دارد.

برای توضیح و تحلیل شرایط این دوره که در مقدمه آن درخشش مدرسه سعادت مطرح است، تغییر راههای تجاری اصلی ایران و تنزل موقعیت بندری بوشهر فقط گویای قسمتی از این امر خواهد بود. باید توجه داشت که در این سالها توجه ایرانیان بیشتر معطوف به مسائل خلیج فارس به‌طور کلی و عمومی بود. آثار رائین (دربانوردی ایرانیان)، تحقیقات احمد اقتداری (آثار شهرهای باستانی خلیج فارس، الفواید، ...)، تألیفات عبدالرحمن فرامرزی (جزیره خارک، راه آهن اروپا و خلیج فارس ...)، تألیفات عباس اقبال (در باب بحرین ...) تألیفات دکتر جهانگیر قائم مقامی (مسئله هرمز، ...)، کتاب نخستین سمینار خلیج فارس که آثار ارزشمند محیط طباطبائی، محمدجواد مشکور، سلطان علی سلطانی بهبهانی، و دیگران را در برداشت، نیز تحقیقات و تألیفات صادق نشات (خلیج فارس)، جلال آل احمد (خارک) غلام حسین صاعدی (اهل هوا)، مرحوم عباس انجم‌روز درباره لنگه و بستک، آقای احمد نوریخس درباره کنگ و قشم و آثاری دیگر که پرداختن به همه آنها دامنه بحث را گسترده می‌سازد در این جا قابل ذکر هستند. اما در میان همه این تحقیقات یک نکته مسلم است و آن، جای خالی تاریخ بوشهر به‌عنوان یک مبحث مستقل با سطح علمی و حجمی قابل توجه است.

با توجه به اهمیت فراوان و غیر قابل انکار بوشهر در سراسر قرن نوزدهم و اول قرن بیستم، عدم پرداختن به تاریخ بوشهر به‌طور گسترده را باید یک ضعف تحقیقی جدی تلقی کرد. در آغاز دهه ۱۳۷۰ش با شکل‌گیری کنگره‌ای درباره رئیس‌علی دلواری، فعالیت‌های تحقیقی و تألیفی درباره بوشهر وارد مرحله جدیدی شد. چنانکه از نظر کمی آثار تولید شده در این حوزه قابل توجه است. پیش قدمی در این راه را بابک پرتو با ترجمه شاخه نبات و کاوه

بیات با ترجمه عملیات در ایران و کتابهای اسناد برعهده داشتند. کتابهای خانم دکتر منصوره اتحادیه در باره رابطه خاندان نظام السلطنه با مسائل جنوب ایران در جنگ جهانی اول نیز به طور غیر مستقیم به این جریان کمک رساند. در همین راستا کتاب پلیس جنوب نوشته خانم فلوریدا سفیری و دیپلمات‌ها و کنسول‌های انگلیس نوشته صفورا برومند نیز باید دیده شود. فعالیت‌های چشم‌گیر مترجم بوشهری آقای حسن زنگنه به تداوم این امر کمک قابل توجهی رساند. او طی یک دهه با ترجمه آثار متعددی درباره تاریخ بوشهر از قرن هجدهم تا اواسط قرن بیستم، حجم قابل توجهی از اطلاعات تاریخی را در اختیار محققان فارسی زبان قرار داد.

مرکز ایران‌شناسی شعبه بوشهر هم بخشی از آثار ترجمه‌ای یا تحقیقی مربوط به بوشهر در سال‌های جنگ جهانی اول را منتشر ساخت که قسمتی از آن از آثار مرحوم آیت‌الله بلادی یا دیگر روحانیون آن منطقه بود. جواهر و ظواهر، سوانح و لوايح و آثاری از این قبیل در این راستا قابل بررسی است.

کنگره رییس‌علی خود نیز کتابهایی منتشر کرد که از نظر شروع یک دوره تحقیقی قابل توجه هستند. پس از آن آقای دکتر عبدالکریم مشایخی آثاری درباره مسیحیان و نیز مشروطیت در بوشهر منتشر ساخت. این تحقیقات به طور کامل صورت کتابخانه‌ای داشت تا آن‌که آثار آقای عبدالحسین احمدی (ریشه‌ری) که به مقدار قابل توجهی مبنی بر تحقیقات میدانی و مردم‌شناسی بود با عنوان سنگستان منتشر شد. این تحقیقات که از نوع اصیل به شمار می‌آمدند، عرصه جدیدی را پیش روی محققان باز کرد. مقالات آقای بلادی درباره فرهنگ بوشهر بر اساس زبان‌شناسی، نوشته‌های حماسه حق‌پرست و حسام حق‌پرست درباره فرهنگ موسیقی بوشهر و آقای زرتشت دوانی درباره موسسات تمدنی جدید بوشهر و نیز تحقیقات احمد جولایی، احمد اسکندرنیا، حسن برازجانی سید محمدحسن نبوی و دکتر سیدجعفر حمیدی، ایرج افشار سیستانی و دکتر احمد کازرونی و دیگران به صورت کتابها و مقالاتی در مجله‌های تازه انتشار یافته در بوشهر انعکاس یافته‌اند.

شکل‌گیری کنگره بزرگداشت مدرسه سعادت نیز به توسعه چنین تحقیقاتی کمک کرد و در مجموع بندر بوشهر را مبدل به کانون فرهنگی و تحقیقی سواحل جنوب و به طور کلی

خلیج فارس ساخت. آقای سید قاسم یاحسینی نیز با ارائه مقالاتی درباره تاریخ بوشهر و نیز کتاب‌هایی درباره میرمهنّا، شیخ حسین چاه کوتاهی، خالو حسین بردخونی و تاریخ مطبوعات بوشهر صورتی دیگر به این‌گونه تحقیقات داد. تحقیق آقای مهدی فتوت در باره باقرخان تنگستانی، غلام حسین نظامی در باره بصره که مدتی را به رقابت با بوشهر گذراند، احمد دشتی با عنوان جنبش جنوب ایران و رضا دشتی درباره تاریخ اقتصادی - اجتماعی بوشهر، دکتر نبی‌پور در باب مسائل فرهنگی و تاریخی، و خورشید فقیه در باره میرمهنّا و سرانجام تحقیق خانم فاطمه مؤمنی در باره خلیج فارس نیمه اول قرن بیستم، هر یک گوشه‌هایی از این عرصه تحقیقی را در بر می‌گیرند که باید بر آنها تحقیقات آقای محسن شریفیان در باره موسیقی بوشهر را هم افزود.

در این‌جا در صدد افزودن تحقیقات و تألیفاتی که در نواحی مجاور بوشهر چون شیراز، برازجان، خورموج، گناوه و دیگر جاها توسط محققانی چون هیبت‌الله مالکی، حیدر عرفان، جواد فخرایی، سروش اتابک‌زاده، خلیفه‌زاده، الله‌کرم لیراوی و صورت گرفته و برای تاریخ بوشهر قابل استفاده هستند، نیستم که سخن را به درازا می‌کشاند. در مورد کتاب‌شناسی بخشی از این آثار که به رؤیت نگارنده رسیده است به فهرست پایانی این کتاب مراجعه شود. نیز سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر، کتابی درباره کتاب‌شناسی بوشهر و کتابی درباره مباحث گوناگون شهرستان بوشهر، و دکتر جمشید صداقت‌کیش، تحقیقی درباره کتاب‌شناسی توصیفی خلیج فارس منتشر کرده که خوانندگان محترم را به آنها ارجاع می‌دهم.

با وجود گستردگی و تنوع این آثار، هنوز تا پاسخ‌گویی کامل به نیازهای تحقیقی و تألیفی در باره بوشهر راه طولانی و دشواری در پیش است. بخشی از این تحقیقات که فراهم آوردن اسناد و مطالب برای تحقیقات بعدی است، یا صورت تحقیقات سندی، میدانی و شفاهی را دارد، می‌توانند اعتبار تحقیقی داشته باشند. اما بخش عمده‌ای از این آثار، شتاب‌زده فراهم آمده و اغلب تجربه اول نویسندگی محسوب می‌شوند. در نتیجه از ارائه تصویری جامع از تاریخ بوشهر به دور مانده‌اند. به همین جهت در مقایسه با جامعیت نگاه اثر سعادت، دارای درجه دوم اهمیت به شمار می‌آیند. تحقیقات درباره تاریخ بوشهر تاکنون فاقد سبک و سیاق

یک تاریخ محلی به عنوان مبنای تحقیقات تاریخ منطقه‌ای بوده است. در همان حال از آن‌جا که تاریخ این بندر دو بعد ملی و بین‌المللی داشته، تحقیقات ایرانی تاکنون نتوانسته است ابعاد و جوانب این دو پدیده را به نحوی هم‌زمان و در طرحی به هم پیوسته ارائه نماید. تحقیقات خارجی هرچند این وجه اخیر را بیشتر توجه کرده‌اند، اما چون از بازسازی تاریخ محلی (شهری) بوشهر ناتوان بوده‌اند در مجموع توفیق اندکی داشته‌اند.

در قدم اول، مشکل این تألیفات آن است که یا بخش عمده مطالب خود را از یکدیگر و نه از مآخذ اصلی گرفته‌اند و یا طرحی یکسان و یکنواخت را در تقلید از همدیگر پیروی کرده‌اند. نتیجه این امر، فقدان نوآوری کافی از یک سو و از سوی دیگر بروز اشتباهات پی‌درپی در عرصه ارائه اطلاعات تاریخی است.

صرف‌نظر از این اشکال تحقیقی، باید به این بعد نظری نیز توجه کرد که عمده‌تاً این تحقیقات سخت متأثر از سیاسی‌نگری اعم از خرد یا کلان یا پیروی از احساسات و تعلقات هستند. چنین پدیده‌ای به این صورت خود را نشان می‌دهد که بیشتر این تحقیقات فاقد روشمندی تحقیقات تاریخی هستند. برای همه آنها تمامی وقایع در یک سطح واحد رخ می‌دهد و طبقه‌بندی و تحول زمانی معنایی ندارد. گویی دویست سال تاریخ در یک زمان واحد رخ داده است. نیز تعیین مکانی که می‌تواند تابع‌ها و متغیرهای یک تحقیق را ساماندهی کند فراموش می‌شود و به‌درستی معلوم نیست که ظرف مکانی یک رویداد و مسائل درونی و بیرونی و پیرامونی و دور و نزدیک آن کدام است.

این آشفتگی زمانی و مکانی موجب بازماندن از ارائه یک تصویر تاریخی تحلیلی و جستجوگر معنا و مفهوم شده است. لذا با وجود آن‌که از تاریخ بوشهر سعادت حدود یک صد سال گذشته و سبک و سیاقی سنتی از خود نشان می‌دهد با این حال به واسطه تقید به محدوده زمانی، مکانی و موضوعی تألیف خویش، از انسجام و روایی بیشتری برخوردار است.

از میان آثار متعددی که در بالا بدان‌ها اشاره شد، اثر آقای رضا دشتی درباره تاریخ اقتصادی - اجتماعی بوشهر، هرچند اسم و آوازه بسیاری نیافته اما شایان توجه بیشتری است. این اثر چهارچوبه موضوعی خود را حفظ کرده است. هرچند علی‌رغم اطلاعات فراوانی که

گردآورده فاقد نظریه‌پردازی‌های لازم دیده می‌شود، اما در همان حال از بعضی جهات به نحوی شگفت‌انگیز به تاریخ بوشهر سعادت تشابه می‌یابد.

واژه «ملی» در تاریخ بوشهر

یکی از نکات جالب توجه در کتاب تاریخ بوشهر، کاربرد واژه «ملی» و ساختن ترکیبات و مفاهیم جدید از آن است. به عنوان مثال: مقام ریاست ملی (ص ۱۵۸)، حسیات ملی (ص ۱۷۷)، اعتراضات ملی (ص ۱۷۷)، قوای ملی (ص ۱۷۸)، پرتست ملی (ص ۱۸۲)، طبقات ملی (ص ۲۰۲)، اعانه ملی (۲۰۶) و ... این‌گونه ترکیبات هرچند در آثار هم‌زمان با تألیف کتاب تاریخ بوشهر هم دیده می‌شود اما این اثر نیز به نوبه خود و به نحوی خاص گویای تفکر سیاسی و اجتماعی ایرانیان از مشروطه تا سال‌های پس از جنگ جهانی اول است. در آن هنگام در پی اشغال ایران توسط روس و انگلیس و تلاش ایرانیان برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، روحیه و تفکر ملی رشد و گسترش بسیار یافت. از خلال مباحث کتاب تاریخ بوشهر نیز مراتب وطن‌خواهی محمدحسین سعادت آشکار است. مقدم بر آن اقدامات فرهنگی و تربیتی ایشان نیز در همین راستا بود. این‌که ایشان علاقمندی خاصی به تربیت، تمدن و ترقی نشان می‌دهد نیز گویای اندیشه انسانی و دوستی هم‌نوع به‌ویژه هموطنانش به شمار می‌آید. در هنگام تألیف کتاب تاریخ بوشهر، سعادت در شیراز به سر می‌برد و از نزدیک شاهد فعالیت‌های گسترده دموکرات‌های فارس بوده است. آنان نیز گرایش‌های ملی قدرتمندی داشتند. سعادت در چنین فضایی، تاریخ بوشهر را پدید آورده و اندیشه‌ها و شرایط فکری آن عصر را در ارتباط با ملت‌خواهی که از نشانه‌های مهم ترقی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایرانیان آن عصر به شمار می‌آید انعکاس داده است.

روحش شاد

عبدالرسول خیراندیش



تصویر مؤلف تاریخ بوشهر



طرحی از چهره مؤلف
طرح از عبدالرسول حکیم

۹۵
۹۵/۱
کتاب

کتابخانه اهدائی علی اصغر حکمت
۱۳۴۰

کتاب تاریخ بوشهر

(سوده نیم تمام)

تألیف مرحوم شیخ محمد حسین سادات کازرانی

در حدود ۱۳۴۰ هجری قمری

۴۷۵۰

۵۴

آنوقت

و خودشان بفرستند بسلامه شان بوطخته اند و عام علما این بوطرقة شیعه

مینیا اند

تفصیلاً

اصول

سابقاً اکثر اهالی این بوطرقة شیعه اخباری بوده اند ولی امروزه اکثر

مردم تقلید علما اصول و استنباط

اما خطران تجارت اول خانواده قدیم خانواده ملک التجار کامران

و دوم خانواده حاجی صفی بوده اند و خانواده ای بزرگ و خانواده فضل

تجار در آن بودند. اما جالبه که در این اواخر بعد از حاج عبدالحمید ملک التجار

و آقا محمد علی التجار که دو برادر بودند و دارای ثروت فوق العاده شدند

به جبهه اعمالی رسیدند و وفرد. اول حاج عبدالحمید ملک التجار

ملقب مدحت الدولة است. دوم حاج آقا محمد معین التجار است

که فعلاً بقم در طهران میباشند و در قریه و توصیف ایشان همین بوی است

که در ۱۲۹۱ شمسه از نجف اشرف بیوشهر برای دعوی میروند

اند و ما که هیچ چیزی نبود و بواسطه بستی بعلی اصغر خان

این سلطان امروز مالک دو کوره مالیه است. سائو جهان

از طبقه علما مرحوم آقا سید محمد علم الهدی و آقا سید سلیمان علم الهدی

صدرا الاسلام بوده اند. علما و طایفه که در قید حیات هستند

آقا سید عبداللّه بهبهانی و آقا شیخ علی دشتی میباشند. تجار علی

حالی حاج عبدالرسول رئیس التجار حاج سید محمد رضا تاجر کامران

۲۷۳

کتابخانه - خطی - اصغر خاتون

و اما اینکه از حقان امور مطلع بودند بدانستند که این سرزمین از
 طرف در زمان شهر بهم دستی سرایداران خود اندیش و توقع بیومست
 علی ای حال در این وقت فوئل انگلیس فرامتن تخراب مذکور را از حکومت
 محل مطالبه نمود حکومت هم شهرت مذکور را بجهت خود قرار داده
 وجه غرامت را از تنگماینها مطالبه نمود. در آنوقت بلوک تنگستان
 بین حد در و زائر خرفان تقیم شده بود. ادوا غرامت بدین حد رخان
 که از ضمیمه از برای خرفان بهر تحصیل کردید حد رخان دم از یاد و وجه
 استماع نمود و موقعی برای خرفان پیش از دست از رخان در ماندگی افتاد و استماع
 و بر مسائل عملیه سعی و آتی نمود تا آنکه حکم سر کبی و قلع و قمع ایشان سکنت
 از دولت بدست آورد. انوقت بجاوت مریم خرفان و خرفان سق
 اردوئی بسیم تنگستان نمود. و این اردو و اکیستی بجهت در اوایل شهر
 شکست بجهت تنگستان حرکت نمود. در یک دو میدان اردو فین
 شکست تفرقی بعمل آمد و اردو در یکیم بهر شهر مراجعت کرد و سق
 نتیجه قطعی این سق اردو این بود که مبلغ نه هزار تومان نقد بدین
 دولت تعلق گرفت و مع ذلک وجه غرامت از تنگستانها وصول شد و بدین
 — اری در ملاکاتی که در قبایل و طوایف گشت و تقلب در مالیه دولت
 و دولت وضع قرآشی و غرض بجهت احوال مسکین بمانائی نباشد
 بلکه بالعکس در از او حیانت و جنایت امتیاز و توفیق دهند و خائن را
 برضا دم بدم دارند جای هیچ گونه تعجب نیست که چرا آن مملکت
 باین انداز در درکات تدنی ماعلی در چه حال رسیده باشد

